

گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سیدجلال‌الدین دهقانی فیروزآبادی^۱

چکیده: با آغاز به کار دولت یازدهم در ۱۳ مرداد ماه ۱۳۹۲ خردۀ گفتمان دیگری در چارچوب کلان گفتمان اسلام‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ظهور کرد. این خردۀ گفتمان، براساس گفتمان عام این دولت، اعتدال‌گرایی نامیده می‌شود. بر مبنای منطق تحول و چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گفتمان اعتدال‌گرایی را می‌توان "آرمان‌خواهی واقع‌بینانه" یا "آرمان‌گرایی واقع‌بین" نامید. دال مرکزی گفتمان اعتدال‌گرایی تعادل و توازن است که برحسب توازن بین آرمان و واقعیت، انواع عقلانیت، مصالح اسلامی و منافع ملی، اهداف سیاست خارجی، اهداف و ابزار سیاست خارجی، عناصر قدرت ملی، اعمال قدرت و دیپلماسی، حق و تکلیف، سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، ساختار سیاست خارجی و توسعه روابط خارجی تعریف می‌شود. عناصر و دقایق گفتمان اعتدال‌گرایی نیز عبارتند از: آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی، عقل‌گرایی متوازن، تکلیف‌گرایی معطوف به نتیجه، تعامل‌گرایی سازنده، امنیت‌طلبی، منزلت‌طلبی، صلح‌طلبی، عدالت‌گرایی، تحول‌گرایی، کمال‌گرایی، توسعه‌گرایی متوازن و چندجانبه‌گرایی متوازن. با این تعاریف سؤال اساسی مقاله پیش رو این است که گفتمان اعتدال‌گرایی برحسب دقایق و اجزای خود چگونه می‌تواند به تحقق اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مساعدت نماید؟ در پاسخ به این پرسش، مقاله حاضر این فرضیه را مد نظر قرار می‌دهد که گفتمان اعتدال‌گرایی به عنوان یک خردۀ گفتمان در کلان گفتمان اسلام‌گرایی ظرفیت بالاتری را برای بهره‌گیری از واقع‌بینی در تحقق اهداف و منافع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به خدمت گیرد.

واژگان کلیدی: اعتدال، تعامل سازنده، توازن، عقلانیت، چندجانبه‌گرایی، گفتمان، واقع‌بینی، آرمان‌گرایی

۱. آقای سیدجلال‌الدین دهقانی فیروزآبادی، استاد دانشگاه علامه طباطبائی

(jdeghani20@yahoo.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

مقدمه

دو نوع تغییر و تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قابل شناسایی است.^(۱) اول، تحول از یک گفتمان به گفتمان دیگر؛ به طوری که نوعی گسست گفتمانی رخ دهد. در این صورت سیاست خارجی دستخوش تغییر و تحول بنیادی و عمیق می‌شود. گسست گفتمانی زمانی رخ می‌دهد که گزاره‌ها و قضایای حاکم و زیربنایی گفتمان متحول شوند؛ ولی اگر تغییرات در یک گفتمان بنیادی نبوده و در سطح گزاره‌های اشتقاقی و فرعی باشد ماهیت و هویت گفتمان دگرگون نمی‌شود. در این حالت شاهد تحول "در" گفتمان هستیم که از طریق آن خرده گفتمان‌های مختلفی در درون آن کلان گفتمان شکل می‌گیرند. این خرده گفتمان‌ها در اصول حاکمه و گزاره‌های بنیادی و زیربنایی مشترکند و تفاوت و تمایز آن‌ها در سطح گزاره‌های فرعی و روبنایی است.

تجربه ۳۵ ساله نظام جمهوری اسلامی ایران نشان‌دهنده تحول و چرخه گفتمانی، از هر دو نوع، در سیاست خارجی آن است. به گونه‌ای که در پرتوی تحولات داخلی و خارجی گفتمان‌ها و خرده گفتمان‌های مختلفی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران غالب و حاکم شده است. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان ادعا کرد که دو ابرگفتمان ملت‌گرایی لیبرال و اسلام‌گرایی در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی به منزلت هژمونیک نسبی رسیده‌اند. گفتمان ملت‌گرایی لیبرال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی عمری کوتاه داشت و تنها تا خردادماه ۱۳۶۰ استمرار یافت. آن هم در یک معارضه گفتمانی شدید با گفتمان رقیب یعنی اسلام‌گرایی که حاملان و قائلان آن انقلابی‌های اسلام‌گرا بودند؛ اما گفتمان اسلام‌گرایی قوام و دوام یافته و از سال ۱۳۶۰ تا به امروز در هیأت و هیبت‌های مختلفی در سیاست خارجی ایران تداوم داشته است.

گفتمان اسلام‌گرایی، تا قبل از روی کار آمدن دولت یازدهم، در قالب خرده گفتمان‌های پنجگانه، آرمان‌گرایی انقلابی، مصلحت‌گرایی، واقع‌گرایی یا عمل‌گرایی، صلح‌گرایی مردم‌سالار و اصول‌گرایی عدالت‌محور تعین و تجلی یافته است. هر یک از این خرده گفتمان‌ها در عین اشتراک در اصول و احکام بنیادی، در گزاره‌های فرعی و اشتقاقی با هم تفاوت و تمایز دارند. از این‌رو همگی آن‌ها در یک پیوستار قرار می‌گیرند که در یک سر آن آرمان‌گرایی اسلامی و در سر دیگر آن واقع‌گرایی اسلامی قرار دارد. در دوره‌های مختلف حیات جمهوری اسلامی ایران سیاست خارجی کشور در بین این دو حد گفتمانی در نوسان بوده است. آرمان‌گرایی انقلابی گفتمان معارض ملت‌گرایی لیبرال بود که تا اواسط سال ۱۳۶۳ بنابه اقتضای فضای انقلابی و جنگ

تحمیلی عراق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به منزلت هژمونیک نسبی رسید. خرده‌گفتمان مصلحت‌گرایی اسلامی از اواسط دوره دفاع مقدس در سال ۱۳۶۳ تا پایان جنگ تحمیلی در سیاست خارجی ایران ظهور کرد. پایان جنگ تحمیلی و اقتضانات بازسازی اقتصادی و سازندگی به غلبه خرده‌گفتمان واقع‌گرایی اسلامی در سیاست خارجی دولت سازندگی انجامید. اولویت یافتن توسعه سیاسی و اصلاح‌طلبی در دوره اصلاحات به شکل‌گیری و حاکمیت خرده‌گفتمان صلح‌گرایی مردم‌سالار در سیاست خارجی ایران منجر شد. سرانجام با تکوین گفتمان اصول‌گرایی در عرصه سیاسی ایران، خرده‌گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور بر سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم حاکم گشت.

تجربه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشانگر آن است که تحول گفتمانی در آن تابع تحولات مختلف در سطوح فردی، داخلی، و خارجی (اعم از منطقه‌ای و بین‌المللی) بوده است. با به قدرت رسیدن رؤسای جمهور مختلف با سلاقی و علائق متفاوت از یک سو و تحولات داخلی و خارجی از سوی دیگر گفتمان‌های سیاست خارجی ایران نیز دچار تغییر و تحول می‌شود. به گونه‌ای که افراد تصمیم‌گیرنده که خود ساخته و پرداخته و قائل و حامل گفتمان‌ها هستند آن‌ها را بر سیاست خارجی ایران نیز حاکم می‌کنند. تحولات داخلی نیز زمینه در دسترس بودن برخی از گفتمان‌ها و در دور دست قرار گرفتن بعضی دیگر از آن‌ها را فراهم می‌سازد. ظهور و بروز گفتمان‌ها در سطوح منطقه‌ای و جهانی نیز نقش مقومی در تحولات گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته و دارند.

پس از برگزاری یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ۲۴ خرداد و استقرار دولت یازدهم همه عوامل و متغیرهای تحول‌آفرین گفتمانی در سطوح سه گانه فردی، ملی و بین‌المللی در سیاست خارجی ایران فراهم گردید. به گونه‌ای که با آغاز به کار دولت یازدهم در ۱۳ مرداد ماه ۱۳۹۲ خرده‌گفتمان دیگری در چارچوب کلان‌گفتمان اسلام‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ظهور کرد. این خرده‌گفتمان، بر اساس گفتمان عام این دولت، اعتدال‌گرایی نامیده می‌شود. مهم‌ترین ویژگی گفتمان اعتدال‌گرایی ایجاد تعادل و توازن بین آرمان و واقعیت از طریق تلفیق آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی است. از این رو، بر مبنای منطق چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گفتمان اعتدال‌گرایی را، به بیان خود رئیس‌جمهور روحانی، می‌توان "*آرمان‌خواهی واقع‌بینانه*" (روحانی، ۵ شهریور ۱۳۹۲) یا "آرمان‌گرایی واقع‌بین" نامید. بر این اساس سؤال اساسی مقاله پیش رو این است که گفتمان اعتدال‌گرایی برحسب دقایق و اجزای خود چگونه می‌تواند به تحقق

اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مساعدت نماید؟ در پاسخ به این پرسش، مقاله حاضر این فرضیه را مد نظر قرار می‌دهد که گفتمان اعتدال‌گرایی به عنوان یک خرده گفتمان در کلان گفتمان اسلام‌گرایی ظرفیت بالاتری را برای بهره‌گیری از واقع‌بینی در تحقق اهداف و منافع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به خدمت گیرد.

۱. مفهوم شناسی اعتدال

معنای لغوی اعتدال، رعایت حد وسط و میانه در بین دو حال از جهت کمیت و مقدار و از جهت کیفیت و چگونگی است. هم‌چنین اعتدال به معنای توازن و تعادل در مقدار، هم‌وزنی، برابر بودن دلایل و برابری و یکسانی در کم و کیف نیز می‌باشد. از این‌رو، اعتدال به معنای میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط یا تندروی و کندروی است. در آموزه‌های اسلامی، به ویژه در قرآن کریم و نهج‌البلاغه، بر اعتدال و رعایت حد وسط تأکید شده است؛ به گونه‌ای که قرآن کریم امت اسلام را امت وسط و متعادل معرفی می‌کند.

"وَكذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ؛ و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید" (بقره: ۱۴۳). امام علی (ع) در اولین خطبه حکومتی پس از تصدی خلافت می‌فرمایند: "الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ، وَالطَّرِيقُ الْوَسْطِيُّ هِيَ الْجَادَّةُ؛ چپ و راست گمراهی، و راه میانه، جاده مستقیم الهی است" (نهج‌البلاغه کلام ۱۶). هم‌چنین امام علی (ع) می‌فرمایند: خَيْرُ الْأَعْمَالِ اعتدال الرَّجَاءِ وَالْخَوْفِ؛ بهترین کارها مساوی بودن ترس و امیدست" (نهج‌البلاغه حکمت ۷۰).

در بیانات رهبر انقلاب اسلامی نیز به اعتدال به معنای رعایت حد وسط و میانه‌روی اشاره و تأکید شده است: "اعتدال هم که می‌گویند، از این واژه [عدل] است؛ یعنی در جای خود، بدون افراط و بدون تفریط؛ بدون چپ روی و بدون راست روی. این هم که می‌گویند عدل یعنی قرار دادن هر چیزی در جای خود، به خاطر همین است. یعنی وقتی هر چیز در جای خود قرار گرفت، همان تعادلی که در نظام طبیعت بر مبنای عدل و حق آفریده شده، به وجود می‌آید" (آیت الله خامنه‌ای، ۲۰ آبان ۱۳۸۳).

رئیس‌جمهور نیز در این زمینه بیان می‌کند که "تفکر اسلامی و شیعی بر اساس عدل و اعتدال است ... اعتدال هم روش و هم راه است، اعتدال هم مسیر و هم مقصد است. اعتدال بدون عقلانیت، فاصله گرفتن است. شعار، بدون علم‌گرایی و استفاده از تجربه بشری، بدون تحول‌گرایی در کنار ثبات و آرامش، بدون آرمان‌گرایی در کنار واقع‌گرایی و بدون اخلاق و آداب و سعه صدر و آزادی امکان‌پذیر نیست" (روحانی، ۱۲ تیر ۱۳۹۲).

از این‌رو، اعتدال رابطه و نسبت استواری با عدالت و قسط از یک سو و توازن و تعادل از دیگر سو دارد.

به طور کلی اعتدال به دو صورت سلبی و ایجابی تعریف می‌شود. در معنای سلبی، اعتدال به معنای نفی افراط و تفریط و پرهیز از این دو حد می‌باشد. در سیاست نیز اعتدال معمولاً به صورت سلبی تعریف و تلقی می‌گردد. در سیاست خارجی نیز بر همین اساس، اعتدال به معنای نفی و پرهیز از گفتمان‌های سیاسی افراطی و تفریطی تعریف می‌شود. به گونه‌ای که اعتدال را می‌توان به صورت نفی پادگفتمان‌های معارض آن یعنی گفتمان سازش و گفتمان‌ستیزش یا گفتمان آرمان‌گرایی تخیلی-توهمی و گفتمان واقع‌گرایی انفعالی تعریف کرد. اگرچه، بر مبنای اصل منطقی "تُعرفُ الأَشْياءُ بِأَضْدَادِهَا؛ چیزها با توجه به اضدادشان شناخته می‌شوند"، گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی را می‌توان بر پایه نفی پادگفتمان‌های افراطی و تفریطی تعریف کرد، ولی فهم دقیق این گفتمان مستلزم تعریف آن به صورت ایجابی و مثبت است.

براساس برنامه وزارت امور خارجه دولت یازدهم: "اعتدال به معنای ایجاد توازن میان آرمان و واقعیت در مسیر جهت دادن واقعیات به سمت آرمان‌هاست. گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت تدبیر و امید حرکت واقع بینانه، خودباورانه، متوازن و هوشمندانه از تقابل به گفتگو، تعامل سازنده و تفاهم به منظور ارتقای جایگاه، منزلت، امنیت و توسعه کشور می‌باشد" (وزارت امور خارجه، ۱۴ مرداد ۱۳۹۲).

در اندیشه سیاسی غرب، میانه‌رو^۱ و میانه‌روی^۲ به ترتیب معادل معتدل و اعتدال به کار می‌رود. بنابر تعریف راجر اسکروتون (Scruton, 2007: 444-445)، میانه‌رو، به دو معنا می‌باشد. اول، به‌عنوان وصف اندیشه و دیدگاه سیاسی به کار می‌رود تا دیدگاه‌ها و نظرگاه‌های سیاسی را تعریف و توصیف کند. دوم، به‌عنوان صفت حکومت و نظام سیاسی به کار می‌رود تا یک نوع حکومت و نظام سیاسی را از انواع دیگر متمایز سازد.

در کاربرد نخست، دیدگاه‌ها و نظرگاه‌هایی شایسته اتصاف به وصف میانه‌رو یا معتدلند که هیچ فرد و گروهی را به‌طور خاص مورد اهانت و توهین قرار ندهند؛ به جز صاحبان اندیشه‌ای که با توهین و اهانت به دیگران نشان می‌دهند که معتدل و میانه‌رو نبوده و از مشی اعتدالی پیروی نمی‌کنند. از آنجا که شکل و محتوای دیدگاه و اندیشه غیر توهین‌آمیز قابل توصیف و تبیین است، این تعریف دوری نخواهد بود. از این رو، وی

1. Moderate
2. Moderation

برای دیدگاه و نظرگاه اعتدالی و میانه‌رو، سه ویژگی و شرط شکلی و دو شرط و ویژگی محتوایی را تعریف می‌کند:

۱. آمادگی و علاقه اصولی برای تعامل، آشتی‌جویی و مصالحه به‌جای تقابل، مواجهه و رویارویی با دیگران و اندیشه‌های دیگر.

۲. ترجیح و تقدم اصلاح بر انقلاب که در یک سطح به معنای بسط و گسترش الزامات و پیش‌نیازهای شرط اول است.

۳. باور به تغییر و تحول سیاسی تدریجی و گام به گام به‌گونه‌ای که متضمن و مستلزم نقض بنیادی نهادهای مختلف نباشد.

۴. باور به این که بین مردمان دارای عقل سلیم و فکر صحیح یک اجماع و وفاقی در مورد نظم سیاسی و اجتماعی وجود دارد که بخشی از فرآیند سیاست کشف این اجماع و تبدیل آن به قانون است. این اجماع و وفاق اجتماعی و عمومی با تغییر شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی دستخوش تغییر و تحول می‌گردد؛ واقعیتی که سیاست را ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. با این حال، سازگاری و انطباق دیدگاه و افق دید حکومت و افکار عمومی هدف غایی سیاست است یا باید باشد که سرآغاز آشتی و وفاق می‌باشد.

۵. تساهل و تسامح و شکیبایی نسبت به افکار و آرای که با این اجماع و وفاق عمومی سازگاری ندارند؛ به شرط این که در چارچوب و مطابق با اصول و قواعد شکلی که در ویژگی‌های اول تا سوم گفته شد، بیان شوند. کلیه دیدگاه‌های دیگر به‌عنوان مصادیق افراط‌گرایی مقبول و مسموع نیستند.

اندیشه و رویکرد اعتدالی، به‌رغم ابهامی که ممکن است به واسطه ویژگی‌های چهارم و پنجم به وجود آید، با رهیافت مرکزگرایی متفاوت و متمایز است. چون، مرکزگرایی برحسب قطبیت و قطب‌بندی سیاسی به معنای اتخاذ موضع میانه بین دو قطب افراطی و تفریطی تعریف می‌شود. در حالی که رویکرد اعتدال‌گرا، معدل جمع جبری بین دو قطب سیاسی نیست، بلکه مستقل از آن‌ها تعریف و توصیف می‌شود. لذا، اعتدال را باید برپایه ویژگی‌های اثباتی آن تعریف کرد.

بر مبنای معنا و تلقی دوم از اعتدال، حکومت اعتدال‌گرا و معتدل ضرورتاً برحسب دیدگاه‌ها و نظرگاه‌هایی که آن را برانگیخته و شکل داده است، تعریف نمی‌شود؛ بلکه وجه انصاف حکومت و نظام سیاسی به معتدل و اعتدال‌گرا به اعتبار سیاست‌ها و اقدام‌هایی است که برای برقراری تعادل و توازن و آشتی و وفاق به جای تقابل و قلع و قمع نیروها و دیدگاه‌های سیاسی رقیب موجود در جامعه مدنی، مبذول می‌دارد. از

این‌رو، یکی از مختصات حکومت و دولت اعتدال‌گرا آن است که امکان وجود و حق حیات مخالف و اجازه فعالیت آن را فراهم سازد.

بعضی استدلال می‌کنند که تنها یک دولت و حکومت مشروط و محدود و نه مطلقه، قادر به ایفای این نقش و عملی کردن این ویژگی است. این امر متضمن ترکیب و تلفیق "دولت محدود" و "منتقد مجاز" است که خود مستلزم حکومت و حاکمیت قانون می‌باشد. تحقق این ایده‌ها و افکار اعتدالی در قالب یک دولت اعتدال‌گرا، متضمن و مستلزم تعامل‌سازنده، متوازن و متعادل بین نهادها و نیروهای سیاسی و اجتماعی در سطح نظام سیاسی و جامعه مدنی است.

اگر چه اعتدال و اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کاملاً در قالب این تعریف و تلقی نمی‌گنجد، ولی ضرورت تعریف گفتمان اعتدال‌گرایی در معنای ایجابی و مثبت برپایه مختصات، شاخص‌ها و عناصر مقوم آن را تأیید می‌کند. به‌گونه‌ای که، برای درک و شناخت دقیق گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نخست باید شاخص‌ها و عناصر قوام بخش آن را تعیین و تعریف کرد. برای تعیین و تعریف مختصات و شاخص‌های گفتمان اعتدال‌گرایی نیز تعیین و تبیین دال مرکزی^۱ آن ضرورت می‌یابد.

۲. دال مرکزی: تعادل و توازن

براساس معنا و مفهوم ایجابی اعتدال، دال مرکزی و متعالی گفتمان اعتدال‌گرایی، که عناصر و دقایق آن نیز حول آن معنا و مفصل‌بندی می‌شوند، را می‌توان "تعادل و توازن" تعیین و تعریف کرد. در چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تعادل و توازن نیز برحسب این موارد تلخیص و تبیین می‌گردد.

۲-۱. توازن و تعادل بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی

سوابق نشان می‌دهد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در یک چرخه بسته گفتمانی بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی دَوْران داشته است، به‌گونه‌ای که از آرمان‌گرایی انقلابی مبتنی بر منطق انقلاب اسلامی که اولویت و ارجحیت به ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی و انقلابی می‌دهد، به مصلحت‌گرایی که در آن مصالح اسلامی و ملی اولویت و اهمیت بیشتری می‌یابد، منتقل شد؛ سپس واقع‌گرایی اسلامی، بر پایه منطق دولت‌مملت ایران که بیش از آرمان‌ها و ارزش‌های فراملی و اسلامی بر منافع ملی استوار است،

جایگزین مصلحت‌گرایی می‌شود. خرده‌گفتمان صلح‌گرایی مردم‌سالار، آرمان‌گرایی از نوع دیگر است که کمتر بر عنصر قدرت در سیاست خارجی تکیه کرده و متضمن گونه‌ای از خوش‌بینی در سیاست بین‌الملل است. به طوری که این خرده‌گفتمان که بر گفت‌وگوی تمدن‌ها، تنش‌زدایی، اعتمادسازی و صلح‌طلبی ابتناء یافته است، به مکتب آرمان‌گرایی در روابط بین‌الملل نزدیک می‌شود. سرانجام، گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور بازگشت به آرمان‌گرایی انقلابی در اوایل انقلاب است که در آن آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و انقلابی در عرصه سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل نمایان و برجسته است، به گونه‌ای که منطق انقلاب اسلامی بر منطق دولت جمهوری اسلامی غلبه دارد.

چرخه‌گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیانگر این واقعیت است که هیچ‌یک از دو گفتمان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی محض به تنهایی کفایت نمی‌کند و قرین موفقیت نیست؛ زیرا آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی لازم و ملزوم یکدیگرند و دو جزء لاینفک‌گفتمان واحد "آرمان‌گرایی واقع‌بین" هستند. به گونه‌ای که به لحاظ نظری و عملی قابل تجزیه و تفکیک نیستند. از این‌رو، سیاست خارجی در عمل در صورتی که این دو جزء‌گفتمانی را با هم به اجرا بگذارد، موفق و مطلوب خواهد بود؛ چون سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از یک‌سو مبتنی بر دین مبین اسلام است که دینی آرمان‌گرا و در عین حال واقع‌بین است. با اندکی تأمل و تدبّر در قرآن کریم می‌توان دریافت که این کتاب هدایت‌مشمول بر آیاتی است که به طور منطقی آرمان‌ها و واقعیت‌ها را تلفیق و ترکیب کرده‌اند. سیره عملی معصومین (ع) نیز مؤیدِ مرام و مشی تلفیق آرمان و واقعیت است.

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی برخاسته از انقلاب اسلامی است که گفتمانش "آرمان‌گرایی واقع‌بین" است که گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز در چارچوب آن تعریف و تعقیب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران یک نظام سیاسی با هویت اسلامی و انقلابی است که در چشم‌انداز ۲۰ ساله نیز به آن تصریح شده است. هویت اسلامی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران بدان معناست که این کشور در عرصه سیاست خارجی دارای آرمان‌های انسانی، اسلامی، انقلابی و ایرانی است. از این‌رو، جمهوری اسلامی ایران یک نظام آرمان‌خواه و رسالت‌مدار است. اما از سوی دیگر، دین مبین اسلام و به تبع آن گفتمان انقلاب اسلامی گفتمانی واقع‌بین است؛ به گونه‌ای که کارگزار مسلمان (اعم از فرد مسلمان و دولت اسلامی) باید آرمان‌های انسانی و اسلامی را با توجه به واقعیت‌ها و مصلحت‌ها پیگیری و تأمین کند.

رهبر انقلاب اسلامی، در تبیین نسبت آرمان با واقعیت، با تأکید و تأکید بر امکان و ضرورت تلفیق و ترکیب آرمان‌گرایی و واقع‌بینی تصریح می‌کند "ما آرمان‌گرایی را صددرصد تأیید می‌کنیم، دیدن واقعیت‌ها را هم صددرصد تأیید می‌کنیم. آرمان‌گرایی بدون ملاحظه‌ی واقعیت‌ها، به خیال‌پردازی و توهم خواهد انجامید. وقتی شما دنبال یک مقصودی، یک آرمانی حرکت می‌کنید، واقعیت‌های اطراف خودتان را باید بسنجید و بر طبق آن واقعیت‌ها برنامه‌ریزی کنید. بدون دیدن واقعیت‌های جامعه، تصور آرمان‌ها خیلی تصور درست و صحیحی نخواهد بود، چه برسد به دستیابی به آرمان‌ها" (آیت الله خامنه‌ای، ۶ شهریور ۱۳۹۲). لذا، در سیاست خارجی باید در عین توجه و تمرکز بر آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی، واقعیت‌های داخلی و بین‌المللی را نیز مدنظر قرار داد، به‌گونه‌ای که آرمان‌ها و ارزش‌ها باعث ندیدن واقعیت‌ها و واقعیت‌ها نیز موجب غفلت از آرمان‌ها نگردد.

بر این اساس، یکی از مهم‌ترین نقاط و کانون‌های تعادل در سیاست خارجی در گفتمان اعتدال‌گرایی، توازن بین واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی یا به بیان دیگر واقع‌بینی و آرمان‌خواهی است. منطق دولت-ملت جمهوری اسلامی ایران مستلزم واقع‌گرایی و واقع‌بینی و منطق انقلاب اسلامی ایجاب‌کننده آرمان‌گرایی در سیاست خارجی است که باید بین آن‌ها توازن برقرار گردد. برقراری توازن بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی نیز از طریق آرمان‌گرایی در اندیشه و نظریه از یک سو و واقع‌گرایی در عمل و رویه از دیگر سو امکان‌پذیر می‌شود.

بنابراین، مهم‌ترین شاخص گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی را می‌توان تعادل و توازن بین این دو عنصر اساسی تلقی و تعریف کرد. به‌گونه‌ای که رئیس‌جمهور حسن روحانی در نخستین اظهارات و سخنان خود در تبیین گفتمان اعتدال به طور عام و سیاست خارجی به طور خاص به این شاخص و ویژگی تصریح می‌کند: "اعتدال، آرمان‌خواهی واقع‌بینانه است. از امیر مؤمنان آموخته بودم که "هر که همراه آرزوی خویش تازد مرگش به سر در اندازد" و می‌دانستم که آرزوها را باید با بند مقدمات اسیر کرد تا جانب اعتدال رعایت شود" (روحانی، ۵ شهریور ۱۳۹۲). در جای دیگر در توضیح گفتمان اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: در گفتمان اعتدال در سیاست خارجی، واقع‌بینی یک اصل است، اما با توجه به ارزش‌ها و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران؛ باید اعتدال بین واقع‌بینی و آرمان‌خواهی، توازن لازم را برقرار کند (روحانی، ۸ آبان ۱۳۹۲). در برنامه وزارت امور خارجه دولت یازدهم نیز یکی از

مختصات گفتمان "آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، توازن در آرمان و واقعیت" تعریف و تعیین شده است (وزارت امور خارجه، ۱۴ مرداد ۱۳۹۲).

۲-۲. توازن و تعادل بین انواع عقلانیت

جمهوری اسلامی کنشگری عاقل بوده و بر مبنای عقلانیت تصمیم گرفته و رفتار می‌کند. با این وجود، در مورد معنا و انواع عقلانیتی که مبنای تصمیم‌گیری و رفتار سیاست خارجی کشورها قرار می‌گیرد، یا باید قرار بگیرد، اجماع و اتفاق نظر وجود ندارد. تفکر و تلقی غالب در مورد عقلانیت دولت مدرن و سیاست خارجی آن که بر پایه تعقیب و تأمین منافع ملی تعریف می‌شود، عقل ابزاری است. ولی امروزه عقلانیتی که سیاست خارجی کشورها، یا دست‌کم برخی از آنها را هدایت می‌کند بسیار فراتر از عقل ابزاری صرف رفته و انواع دیگری از عقل و عقلانیت را نیز در بر می‌گیرد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز، همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، بر عقلانیت‌های ابزاری، اخلاقی، انتقادی، هنجاری، ارتباطی و استدلالی استوار است (ر.ک: دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۵).

غفلت از یکی از این عقلانیت‌ها یا برهم خوردن توازن به نفع یا ضرر یکی از آنها، سیاست خارجی را با ناکامی و ناکارآمدی مواجه می‌سازد. از این‌رو، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های گفتمان اعتدال‌گرایی برقراری و حفظ توازن و تعادل بین انواع مختلف عقلانیت در تصمیم‌گیری و رفتار در سیاست خارجی در دولت یازدهم است.

۲-۳. تعادل و توازن بین مصالح اسلامی و منافع ملی

ماهیت اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌کند که در سیاست خارجی مصالح اسلامی و منافع ملی توأمان و هم‌زمان تعقیب و تأمین گردد. اگر چه هیچ‌گونه تعارض و تضادی بین مصالح اسلامی و منافع ملی وجود ندارد، ولی در مقام عمل ممکن است بین این دو دسته از منافع و مصالح تزاخم پیش آید که باید آن را حل کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱).

رفع این تزاخم و حفظ توازن و تعادل بین مصالح اسلامی و منافع ملی که یک امر سیاست‌گذارانه است، یکی از مختصات و الزامات گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی است. افزون بر این، برقراری و حفظ توازن و تعادل بین عناصر و انواع منافع ملی یعنی منافع دفاعی-امنیتی، رفاهی-اقتصادی، ایدئولوژیک و معطوف به نظم جهانی نیز یکی دیگر از مختصات و ملزومات گفتمان اعتدال‌گرایی است.

۲-۴. تعادل و توازن بین اهداف سیاست خارجی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مانند سایر کشورها، دارای اهداف متعدد و مختلفی است. افزون بر این، جمهوری اسلامی ایران به واسطه ماهیت و هویت اسلامی خود، دارای دو دسته از اهداف ملی و اسلامی یا فراملی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۷۰-۱۴۶). اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی بدان معناست که بین این دو دسته از اهداف و بین عناصر هر یک از این دو تعادل و توازن برقرار گردد. چون تعقیب و تأکید بیش از حد بر پیگیری یکی از این اهداف به قیمت نادیده‌گرفتن اهداف دیگر، سیاست خارجی را از تعادل و توازن لازم و مطلوب خارج می‌سازد. همچنین بین اهداف ملی سیاست خارجی نیز باید تعادل و توازن برقرار گردد.

اولویت‌بندی هر دو دسته از اهداف و عناصر هر یک از آنها از الزامات دیگر سیاست خارجی اعتدال‌گرا است. بدیهی و طبیعی است که پیگیری و تأمین اهداف و آماج مختلف سیاست خارجی به‌طور همزمان با اولویت یکسان در بسیاری از مواقع ناممکن است. از این‌رو، در سیاست خارجی ناگزیر باید اهداف را اولویت‌بندی کرد که امری عاقلانه است. اما از طرف دیگر، عقل حکم می‌کند که توازن و تعادل بین اهداف سیاست خارجی به گونه‌ای برهم نخورد که اولویت یافتن یکی از اهداف به قیمت نادیده گرفتن سایر اهداف باشد. بلکه برعکس شرط عقل و اعتدال آن است که بین این اهداف نوعی توازن برقرار گردد؛ به‌گونه‌ای که سایر اهداف در ذیل و راستای اولویت نخست سیاست خارجی تعریف و تعقیب گردد.

۲-۵. تعادل و توازن بین اهداف و ابزار سیاست خارجی

در سیاست خارجی اعتدال‌گرا باید بین اهداف و ابزار سیاست خارجی توازن و تناسب وجود داشته باشد. چون صرف تعیین و تعریف اهداف عالی برای سیاست خارجی بدون توجه به ابزارهای مناسب تأمین آنها کفایت نمی‌کند. همچنین هدف‌گذاری سیاست خارجی در سطحی نازل‌تر از توان ملی و ابزارهای قدرت موجود نیز نادرست است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۲۶۸-۲۶۶). از این‌رو، عاقلانه آن است که پس از تعیین اهداف سیاست خارجی، ابزار مناسب برای تأمین آنها انتخاب و به کار گرفته شود. اما از سوی دیگر عقل حکم می‌کند در سیاست خارجی متناسب با ابزار موجود یا به بیان دیگر، عناصر قدرت ملی و مقدرات، هدف‌گذاری شود؛ چون تعریف و تعیین اهدافی فراتر از توان و قدرت ملی، سیاست خارجی را با شکست مواجه می‌سازد. از این‌رو، اعتدال‌گرایی ایجاب می‌کند که بین اهداف و ابزار سیاست خارجی توازن و تناسب برقرار گردد.

۲-۶. توازن و تعادل بین عناصر قدرت ملی

قدرت ملی به معنای مجموع توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در برگیرنده عناصر مادی و معنوی یا سخت و نرم بسیاری است. تأکید بیش از حد بر یکی از عناصر قدرت سخت یا نرم جمهوری اسلامی و نادیده گرفتن و اهمیت ندادن به عناصر دیگر، سیاست خارجی را با ناکارآمدی و ناکامی مواجه می‌سازد. از این‌رو، گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی ایجاب می‌کند که برای تأمین اهداف و منافع ملی به‌طور متوازن و متناسب از همه عناصر قدرت ملی بهره‌گیری شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۲۶۸-۲۶۶).

۲-۷. تعادل و توازن بین اعمال قدرت و دیپلماسی

برای تأمین منافع ملی به‌کارگیری متوازن و متعادل هر دو ابزار دیپلماسی و قدرت نظامی لازم و ضروری است. اما معمولاً و در شرایط متعارف قدرت نظامی و سخت‌افزاری در خدمت و اختیار دیپلماسی و سیاست خارجی می‌باشد. اما در عمل ممکن است تعادل و توازن بین سیاست قدرت به معنای به‌کارگیری مستقیم قدرت نظامی و دیپلماسی بر هم خورد؛ به طوری که به‌کارگیری قدرت نظامی اولویت یافته و دیپلماسی در خدمت آن قرار گیرد. یا از سوی دیگر، از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های دفاعی کشور برای پیشبرد و تأمین اهداف سیاست خارجی به صورت بهینه بهره‌گیری نشود. از این‌رو، گفتمان اعتدال‌گرایی متضمن و مستلزم آن است که بین قدرت نظامی و دیپلماسی در قالب دیپلماسی دفاعی کنش‌مند توازن و تعادل برقرار گردد.

۲-۸. تعادل و توازن بین حق و تکلیف

گفتمان اعتدال‌گرایی همچنین متضمن و مستلزم توازن بین حق و تکلیف در سیاست خارجی است. زیرا، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت متعارف و مسئولیت‌پذیر در عرصه بین‌المللی دارای حقوق مسلم و تکالیف معینی است. گفتمان اعتدال‌گرایی ایجاب می‌کند که در سیاست خارجی این حقوق و تکالیف به صورت متوازن و متناسب تعقیب و محقق شود. برقراری و حفظ این توازن به‌ویژه در دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران اهمیت و ضرورت می‌یابد.

۲-۹. تعادل بین سه اصل عزت، حکمت و مصلحت

رهبر انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۱، عزت، حکمت و مصلحت را به عنوان اصول حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تعیین و تعریف کرد. اصل راهبردی، پیگیری

و عملیاتی کردن متوازن و متعادل این سه اصل در سیاست خارجی است. چون بر هم خوردن تعادل و توازن بین این سه اصل، سیاست خارجی را با شکست مواجه می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که ممکن است بعضی از مواقع اصل عزت به قیمت نادیده گرفتن دو اصل حکمت و مصلحت مورد تأکید بیش از حد قرار گیرد؛ در حالی که تأمین عزت خود مستلزم رعایت حکمت و مصلحت است. چون رفتار و سیاست خارجی غیرحکیمانه و غیرمصلحت‌جویانه به جای عزت ممکن است ذلت ملی را به بار آورد. از سوی دیگر، مصلحت‌جویی بیش از حد در قالب واقع‌گرایی انفعالی و بدون در نظر گرفتن اصل عزت نیز سیاست خارجی را به انفعال می‌کشاند. از این‌رو، گفتمان اعتدال‌گرایی متضمن حفظ تعادل و توازن بین سه اصل عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی کنش‌مند است.

۲-۱۰. توازن و تعادل در ساختار سیاست خارجی

مراکز و نهادهای متعدد و مختلفی در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش‌آفرین هستند که به ساختار سیاست خارجی شکل می‌دهند. حدود اختیارات، وظایف و جایگاه هر یک از این نهادها در ساختار سیاست خارجی تعیین و تعریف شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۲۹۲-۲۴۶). اما بسیاری از مواقع ممکن است در عمل تعادل و توازن ساختاری به نفع یا ضرر یکی یا برخی از این نهادها برهم خورد که سیاست خارجی را از شرایط مطلوب و موفق دور سازد. لذا، گفتمان اعتدال‌گرایی متضمن و مستلزم آن است که توازن ساختاری در سیاست خارجی برقرار و استمرار یابد. به‌گونه‌ای که یک ساختار یک‌پارچه و متوازن شکل گیرد.

۲-۱۱. توازن و تعادل در توسعه روابط خارجی

اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برقراری و توسعه روابط برابر و عاری از سلطه با همه کشورهای مشروع است. اما در عمل، بر اساس شرایط خاص زمانی، توسعه روابط با برخی از کشورها و مناطق در اولویت قرار می‌گیرد. اولویت‌بندی کشورها و مناطق بر حسب ضرورت‌ها و اقتضائات خود یکی از شاخص‌های سیاست خارجی معتدل و معقول است. ولی در اولویت قرار گرفتن روابط با برخی از کشورها و مناطق به معنای غفلت از سایرین نیست. از این‌رو، گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی ایجاب می‌کند که روابط جمهوری اسلامی ایران به صورت متوازن و متعادل با کشورها و مناطق مختلف برقرار و توسعه یابد. به‌ویژه اعتدال‌گرایی مستلزم آن است که بین سیاست نگاه به غرب و سیاست نگاه به شرق، سیاست نگاه به جنوب و سیاست نگاه به

شمال و سیاست نگاه به مناطق جغرافیایی مانند جهان سوم‌گرایی، آمریکای لاتین‌گرایی، جهان اسلام‌گرایی و غیره توازن و تعادل برقرار شود.

۳. عناصر و دقایق گفتمان اعتدال‌گرایی

عناصر و دقایق گفتمان اعتدال‌گرایی را می‌توان براساس ماهیت آرمان‌گرایی واقع‌بین آن تنظیم و تبیین کرد. به طوری که مجموع عناصر و دقایق آرمان‌گرایی و واقع‌بینی تشکیل‌دهنده دقایق گفتمان اعتدال‌گرایی خواهند بود. از این‌رو، این دقایق در یک زنجیره هم‌ارزی قوام‌بخش و هویت‌دهنده این گفتمان بوده و قابل تفکیک و تجزیه نیستند.

۳-۱. آرمان‌گرایی

آرمان‌گرایی به معنای داشتن ارزش‌ها و اهداف و آماج متعالی در قالب نظم مطلوب برای انسان و جهان بشری، ترسیم، تعقیب و تأمین آن در سیاست خارجی است. آرمان‌گرایی در سیاست خارجی مستلزم و متضمن تعریف و تحقق نظم و وضع مطلوب جمهوری اسلامی در چارچوب دین مبین اسلام، انقلاب اسلامی، تعیین و تحقق‌یافته در پهنه جغرافیایی ایران است. از این‌رو، هر دو دسته از آرمان‌های اسلامی و ایرانی چراغ راهنمای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عمل قرار می‌گیرد. البته چگونگی تأمین این آرمان‌ها و اهداف از طریق عزیمت از وضع و نظم موجود برای تحقق وضع و نظم مطلوب مستلزم واقع‌بینی است که در جزء دیگر گفتمان آرمان‌گرایی واقع‌بین ضرورت می‌یابد. بر این اساس، جهان‌گرایی اسلامی، سلطه‌ستیزی، حق‌طلبی، عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی، صلح‌طلبی، توسعه همه‌جانبه، منزلت‌طلبی و عزت‌طلبی مهم‌ترین ارزش‌هایی هستند که بر مبنای آرمان‌گرایی در سیاست خارجی پیگیری می‌شوند. در برنامه ارائه شده توسط وزیر امور خارجه به مجلس شورای اسلامی و سپس مقاله وی در مجله فارین افیرز این عناصر و ارزش‌ها به صورت تصریحی یا تلویحی مورد تأکید قرار گرفته است (Zarif, 2014: 1-11).

این اهداف و آرمان‌ها به عنوان یک منظومه مرتبط و منسجم اهمیت، ارزش، فوریت، ضرورت و اولویت رتبی و زمانی مختلفی دارند که به تناسب و تدریج در سیاست خارجی تعقیب و تأمین می‌شوند. "آرمان‌های نظام اسلامی - که در حقیقت آرمان‌های اسلامی است - یک منظومه‌ای، یک مجموعه‌ای است، مراتب مختلفی هم دارد؛ بعضی از اینها اهداف عالی‌تر و نهایی‌ترند، بعضی‌ها اهداف کوتاه‌مدتند؛ اما جزو آرمان‌هایند، همه اینها را باید دنبال کرد... جامعه عادلانه و عادل و پیشرفته و معنوی یک آرمان است..."

نفوذ فرهنگی در جهان، نفوذ سیاسی در جهان و در منظومه سیاسی سلطه در عالم، اینها همه‌اش جزو آرمان‌هاست" (آیت الله خامنه‌ای، ۶ شهریور ۱۳۹۲).

۲-۳. واقع‌بینی

واقع‌بینی در گفتمان اعتدال‌گرایی به معنای هیچ‌یک از واقع‌گرایی انفعالی سازش‌کار و تهاجمی ستیزه‌جو به معنای به‌کارگیری زور و قدرت عریان در سیاست خارجی نیست؛ بلکه واقع‌بینی به معنای شناخت مقدورات و محظورات ملی و استفاده بهینه از منابع قدرت برای تأمین حداکثر منافع ملی در نظام بین‌الملل موجود بر پایه درک درست از ساختار و روابط قدرت و نهادهای بین‌المللی است. واقع‌بینی به معنای "شناخت نظام بین‌الملل، ماهیت، ساختار و روابط قدرت و محدودیت و امکان‌زایی آن، باور به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، شناخت ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و محدودیت‌های ملی و پرهیز از تحقیر، تخفیف و یا بزرگ‌نمایی دیگران" است (وزارت امور خارجه، ۱۴ مرداد ۱۳۹۲). از این‌رو، واقع‌گرایی در مقابل آرمان‌گرایی قرار نمی‌گیرد، بلکه مکمل آن بوده و در برابر آرمان‌گرایی تخیلی و توهمی قرار دارد. همچنین واقع‌بینی به‌مثابه غفلت از آرمان‌ها و ارزش‌ها نیست، بلکه متضمن آرمان‌خواهی و پیگیری عاقلانه و واقع‌بینانه آرمان‌ها و ارزش‌هاست.

بر این اساس، شناخت درست این آرمان‌ها از یک سو و پیگیری واقع‌بینانه آن‌ها از سوی دیگر نخستین الزام واقع‌بینی در سیاست خارجی است؛ به‌طوری که درک نادرست از آرمان‌ها یا نادیده گرفتن آن‌ها با عقلانیت نهفته در واقع‌بینی مغایرت دارد؛ همچنین تعقیب و تأمین آرمان‌ها بر مبنای واقعیت‌های داخلی و خارجی شرط دیگر واقع‌بینی مبتنی بر عقلانیت و مصلحت است.

مصلحت‌گرایی به معنای رعایت و ملاحظه مصلحت در پیگیری آرمان‌ها در سیاست خارجی دومین الزام واقع‌بینی است. چون، همان‌گونه که رهبر انقلاب تصریح می‌کند، "آرمان‌گرایی به‌هیچ‌وجه به معنای در همه زمینه‌ها پرخاش‌گری کردن، برخی از واقعیات لازم و مصلحت‌های لازم را نادیده گرفتن، نیست... اگر مصلحت‌اندیشی درست باشد، باید رعایت مصلحت را کرد... [آرمان‌گرایی] به‌هیچ‌وجه به معنای نفی کار دیپلماسی سنتی متعارف نیست؛ یعنی کار دیپلماسی به جای خودش باید انجام بگیرد" (آیت الله خامنه‌ای، ۱۶ مرداد ۱۳۹۱).

سومین الزام واقع‌بینی در سیاست خارجی شناخت درست و دقیق از عناصر قدرت ملی، اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران از یک سو، و درک صحیح از محدودرات و موانع پیش‌روی آن از سوی دیگر است. چون هرگونه سوء محاسبه غیرواقعی

از مقدورات و محذورات و اهداف و منافع ملی، باعث ناکامی و ناکارآمدی سیاست خارجی می‌شود.

چهارمین الزام واقع‌بینی، برآورد دقیق و درست از نقاط قوت و ضعف و همچنین اهداف، منافع و راهبردهای کشورهای دیگر می‌باشد. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با دیگر بازیگران بین‌المللی، اهداف و منافع ملی خود را پی‌گیری می‌کند، هرگونه شناخت نادرست از کنش‌گران دیگر باعث رفتارهایی می‌گردد که سیاست خارجی را ناموفق می‌سازد.

پنجمین الزام واقع‌بینی در سیاست خارجی، درک دقیق و عمیق نظام بین‌الملل است. شناخت درست نظام بین‌الملل نیز متضمن و مستلزم شناخت ماهیت و گفتمان قدرت رایج و چگونگی توزیع قدرت در سطح بین‌المللی است. چون نظام بین‌الملل محیط عملیاتی و اقدام سیاست خارجی ایران می‌باشد در نتیجه رفتار و اقدام عاقلانه و واقع‌بینانه در این محیط مستلزم شناخت دقیق آن است. زیرا، هر یک از انواع نظام بین‌الملل با ساختارهای متفاوت، سیاست خارجی و رفتار و اقدام متمایزی را می‌طلبد که در صورت عدم آگاهی از آن، موجب ناکامی خواهد شد.

ششمین الزام واقع‌بینی در سیاست خارجی، به‌ویژه بر مبنای عقل هنجاری، شناخت دقیق و عمیق هنجارها، قواعد و نهادهای حاکم بر روابط بین‌الملل است. چون جمهوری اسلامی ایران به‌رغم رویکرد انتقادی که دارد، باید در چارچوب این هنجارها و قواعد، اهداف و منافع ملی خود را پی‌گیری و تأمین نماید. افزون بر این، براساس عقل استدلالی، جمهوری اسلامی ایران باید رفتارها و اقدامات خود را بر مبنای این هنجارها و قواعد موجه سازد. از این‌رو، عدم شناخت کافی یا نادیده‌گرفتن این هنجارها نه‌تنها به تعقیب و تأمین منافع ملی کمک نمی‌کند، بلکه برعکس باعث تضییع آن‌ها می‌شود.

۳-۳. عقل‌گرایی متوازن

اعتدال به معنای فضیلت حد وسط زمانی حاصل می‌شود که تمام قوا و نیروهای انسانی، اجتماعی و سیاسی تحت نظارت و کنترل عقل و خرد در آیند. از این‌رو، می‌توان ادعا کرد که نسبت این همانی بین اعتدال و عقلانیت برقرار است، به گونه‌ای که اعتدال و میانه‌روی اقتضا و لازمه خردورزی و عقلانیت است؛ همان‌گونه که کندروی و تندروی نیز نتیجه جهالت و نادانی است. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید "لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا؛ جاهل را نمی‌یابی مگر اینکه یا تندروی می‌کند یا کندروی" «نهج‌البلاغه، حکمت (۷۰).

عقل و خرد نیز شامل هر دو نوع عقل نظری و عقل عملی می‌شود. پیروی از عقل نظری به معنای شناخت هست‌ها و نیست‌ها یعنی شناخت واقعیت‌ها در هر دو عرصه داخلی و بین‌المللی است. شناخت واقعیت‌ها در سیاست خارجی را می‌توان برحسب موقعیت‌شناسی، زمان‌شناسی و فرصت‌شناسی در حوزه داخلی و خارجی تعریف کرد. موقعیت‌شناسی خود به معنای شناخت و درک صحیح از مقدمات و محظورات ملی، شناخت نظام بین‌الملل، گفتمان و ماهیت قدرت رایج و چگونگی توزیع آن در روابط بین‌الملل می‌باشد. زمان‌شناسی متضمن شناخت شرایط زمانی خاصی است که کشور و نظام بین‌الملل در آن قرار دارند. فرصت‌شناسی نیز بدان معناست که در سیاست خارجی فرصت‌های موجود را به درستی درک کرده و از آن‌ها نهایت استفاده را به عمل آورد. در شرایط مطلوب، فرصت‌شناسی متضمن فرصت‌سازی است. در حوزه عقل عملی نیز، عقلانیت در عرصه سیاست خارجی متضمن و مستلزم قانون‌گرایی، اخلاق‌مداری و نهاد‌گرایی برای تأمین منافع ملی است.

اصل بر این است که رفتارهای سیاست خارجی یک کشور، به عنوان یک کنش‌گر اجتماعی عاقل، بر منطق و عقلانیتی استوار می‌باشد. چون دولت به مثابه تصمیم‌گیرنده کنش‌گری عاقل و منطقی است. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک دولت‌ملت، اگرچه ماهیت و هویت اسلامی دارد نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. از این رو، جمهوری اسلامی نیز کنش‌گری عاقل بوده و بر مبنای عقلانیت تصمیم گرفته و رفتار می‌کند.

با این حال، همان‌گونه که ذکر شد، در مورد معنا و انواع عقلانیتی که مبنای تصمیم‌گیری و رفتار سیاست خارجی کشورها قرار می‌گیرد، یا باید قرار بگیرد، اجماع و اتفاق نظر وجود ندارد. تفکر و تلقی غالب در مورد عقلانیت دولت مدرن و سیاست خارجی آن که بر پایه تعقیب و تأمین منافع ملی تعریف می‌شود، عقل ابزاری است. ولی امروزه بسیاری بر این باورند که عقلانیتی که سیاست خارجی کشورها، یا دست‌کم برخی از آن‌ها را هدایت می‌کند بسیار فراتر از عقل ابزاری صرف رفته و انواع دیگری از عقل و عقلانیت را نیز در بر می‌گیرد. واقعیت آن است که سیاست خارجی همه کشورها را نمی‌توان مبتنی بر عقلانیت ابزاری واحد و جهان‌شمول دانست و رفتار آن‌ها را بر این مبنا تبیین و تحلیل کرد. چون سیاست‌خارجی کشورها، از جمله جمهوری اسلامی ایران، معلول برآیند عقلانیت‌های متعدد و متنوعی است که نادیده گرفتن آن‌ها موجب درک نادرست از آن می‌شود. به همین ترتیب غفلت از یکی از این عقلانیت‌ها یا برهم خوردن توازن به نفع یا ضرر یکی از آن‌ها سیاست خارجی را با ناکامی و ناکارآمدی مواجه می‌سازد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۳۵-۲۷).

بنابراین برای درک و شناخت درست سیاست خارجی کشورها، از جمله جمهوری اسلامی ایران، نخست باید انواع عقل و عقلانیت را ولو به طور مختصر، توضیح داد. در سنت ایرانی-اسلامی، عقل به دو نوع کلی عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود. عقل نظری متضمن و معطوف به شناخت هست‌ها و نیست‌ها و واقعیت‌های طبیعی و اجتماعی می‌باشد. به گونه‌ای که ماهیت و کارکرد واقع‌شناس عقل نظری، انسان و کنش‌گر اجتماعی را به درک و فهم غایات حقیقی و اهداف واقعی سایر کنش‌گران اجتماعی، در اینجا کشورهای دیگر، کمک و هدایت می‌کند. از این‌رو، عقل نظری واقع‌شناس برای انتخاب اهداف معقول جهت رسیدن به سعادت و وضع مطلوب بر پایه عقل عملی حقیقت‌جو لازم و ضروری است.

عقل عملی، در برابر مطلق آگاهی و شناخت، به معنای نیروی عمل و کنش انسانی است. به گونه‌ای که عقل عملی مربوط و معطوف به بایدها و نبایدهای رفتار انسانی و کنش‌گر اجتماعی در چارچوب انجام اعمال و رفتارهای پسندیده و شایسته و پرهیز از اعمال و رفتارهای ناشایست و ناپسند است. عقل عملی معطوف به هستی‌ها و پدیده‌های خارجی است که معلول کنش ارادی انسان و بازیگر اجتماعی می‌باشد. از این‌رو، عقل و عقلانیت عملی به ارزیابی و داوری در مورد خوبی و بدی کنش‌ها، رفتارها و افعال خارجی انسان و کنش‌گر اجتماعی می‌پردازد؛ به طوری که عقل عملی برانگیزاننده اعمال و رفتار نیک و بازدارنده افعال ناپسند در انسان و کنش‌گر اجتماعی است. عقل عملی در ادبیات فلسفی امروزین خود شامل اقسام و ابعاد متعددی می‌شود که راهنمای رفتار و عمل انسان و کنش‌گر اجتماعی و سیاسی قرار می‌گیرد. عقل عملی از آنجا که قواعد و موازین اخلاقی را مدنظر قرار می‌دهد، ماهیتی اخلاقی می‌یابد. لذا، عقلانیت اخلاقی متضمن و مستلزم ارزیابی درستی و نادرستی اهداف و اعمال براساس موازین و قواعد اخلاقی است. به طوری که کنش‌گر سیاسی - اجتماعی عاقل، در مقام تصمیم‌گیری و اقدام به ارزیابی اخلاقی اهداف پرداخته و تعهدات اخلاقی خود را نیز مدنظر قرار می‌دهد.

عقل عملی، همچنین واجد بعد هنجاری بوده و دربرگیرنده عقلانیت هنجاری یا زمینه‌ای نیز می‌شود. عقلانیت هنجاری یا زمینه‌ای به معنای سازگاری با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر و رایج در جامعه، اعم از داخلی و بین‌المللی است. این عقلانیت معطوف به هنجارهای اجتماعی موجه، مشروع و مقبول در جامعه است. از این‌رو، کنشی و رفتاری عقلانی است که سازگار با ارزش‌ها و هنجارهای مقبول و مشروع اجتماعی می‌باشد؛ بدین معنا کنش‌گر عاقل از آنچه که جامعه خوب می‌داند پیروی و از

آنچه بد می‌پندارد می‌پرهیزد. این امر خود متضمن و مستلزم شناخت و درک و فهم درست هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه می‌باشد.

عقل عملی شامل عقل ابزاری نیز می‌شود. عقل ابزاری نیرویی است که به انسان و کنش‌گر اجتماعی کمک می‌کند تا بهترین و کم‌هزینه‌ترین وسایل و ابزار برای تعقیب و تأمین حداکثر سود و منفعت شخصی را انتخاب کند. فرض و اصل بنیادین عقل ابزاری این است که کنش‌گران و کارگزاران اجتماعی و سیاسی، کنشی را انتخاب می‌کنند که انتظار دارند در مقایسه با سایر گزینه‌ها و کنش‌ها، بهترین نتایج و دستاوردها را در پی داشته باشد. بر پایه تلقی رایج از عقلانیت ابزاری، کلیه ارزش‌های انسانی مانند حق‌طلبی، حقیقت‌جویی، ظلم‌ستیزی، نوع‌دوستی و عدالت، ابزاری برای تأمین سود و منفعت شخصی و ملی است. از این رو، عقل اخلاقی و هنجاری نیز تابعی از عقل ابزاری است. با این وجود، عقل ابزاری را می‌توان به گونه‌ای تعریف کرد که در تعارض با عقل اخلاقی و هنجاری قرار نگیرد. به این معنا که عقل ابزاری نیرویی است که کنش‌گر اجتماعی-سیاسی را هدایت می‌کند تا مطلوب‌ترین و کم‌هزینه‌ترین ابزار و شیوه‌ها را برای تأمین اهداف مشروع و مقبول انتخاب و به کار گیرد.

عقلانیت ارتباطی نوع دیگری از عقلانیت عملی است. این نوع عقلانیت معطوف به چگونگی و شیوه مناسب ارتباط و تعامل با سایر انسان‌ها و بازیگران اجتماعی سیاسی می‌باشد. برقراری ارتباط صحیح معطوف به نتیجه مطلوب خود مستلزم تفهم و فهم دیگر بازیگران اجتماعی و سیاسی است. برخلاف عقل ابزاری که معطوف به کنترل دیگران است، عقل ارتباطی ناظر به فهم و درک درست دیگر کنش‌گران اجتماعی و سیاسی جهت همزیستی با آنهاست. از این رو، عقل ارتباطی متضمن تفاهم و تعامل با کنش‌گران اجتماعی-سیاسی در یک محیط اخلاقی و هنجاری می‌باشد.

بُعد دیگر عقل عملی، عقل استدلالی است. عقلانیت استدلالی به معنای توان موجه‌سازی تصمیم‌ها و کنش‌ها در فرآیند استدلال منطقی برای اقناع دیگران است. براساس عقلانیت استدلالی، تصمیم‌گیرندگان و کنش‌گران زمانی عاقل تلقی می‌شوند که قادر باشند تصمیم‌ها و کنش‌های خود را به صورت مستدل و مستند، موجه سازند. از این رو، کنش‌گران قادر به ارزیابی اعتبار و ارزش دلایل و حجت‌های مختلف هستند. این دلایل ممکن است معطوف به سود و منافع مادی باشد، همان‌گونه که می‌تواند بر پایه احساس کنش‌گران از هویت یا فهم از زندگی خوب تدوین گردد. کنش‌گران همچنین می‌توانند تصمیم‌ها و کنش‌های خود را با ارجاع به آنچه که حق، عادلانه و منصفانه است توجیه نموده و توضیح دهند. به عبارت دیگر، کنش‌گران ممکن است بدون ارجاع به یک

هویت خاص و بر مبنای عمل مشروع و توجیه‌پذیر دست به اقدام بزنند. در نتیجه بازیگر استدلال‌گر و احتجاج‌کننده بدیل بازیگر عاقل ابزاری و احساسی می‌باشد. سرانجام، عقلانیت عملی دربرگیرنده عقل انتقادی نیز می‌باشد. عقل انتقادی به معنای تأمل و شناخت اشتباهات و مغالطات اجتماعی-سیاسی ناشی از رفتار ارادی انسان در یک فرآیند تاریخی و اجتماعی است. به گونه‌ای که در پرتو این تأمل انتقادی، زمینه و امکان فراروی از وضع و نظم موجود در جهت استقرار نظم مطلوب اجتماعی-سیاسی فراهم می‌گردد. عقلانیت انتقادی معطوف به اصلاح امور و ایجاد وضع مطلوب است. از این‌رو، عقل انتقادی از یک‌سو متضمن و مستلزم شناخت واقعیت‌های موجود و از سوی دیگر ترسیم و تبیین امکان‌های عملی مطلوب در آینده می‌باشد که عاری از ساختارهای سلطه و سرکوب است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۵).

بنابراین، اعتدال‌گرایی متضمن و مستلزم به‌کارگیری متوازن و متعادل انواع مختلف عقل و عقلانیت در تصمیم‌گیری و رفتار سیاست خارجی است. به گونه‌ای که در تصمیم‌ها و رفتارهای سیاست خارجی یک گونه از عقلانیت به قیمت نادیده گرفتن گونه‌های دیگر آن نباشد. برای نمونه، در پیگیری منافع معطوف به نظم جهانی افزون بر اقدام بر مبنای عقلانیت انتقادی مبنی بر نقد نظم و نظام بین‌الملل موجود، باید از عقلانیت هنجاری-ارتباطی و استدلالی نیز به شیوه‌ای شایسته سود برد. به طوری که در چارچوب هنجارها و قواعد مقبول در جامعه جهانی این مقابله و انتقاد به صورت مستدل بیان گردد تا افناع بین‌المللی حاصل شود.

۳-۴. تکلیف‌گرایی معطوف به نتیجه (نتیجه‌گرایی مبتنی بر ادای تکلیف)

عنصر دیگر گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی، عمل به تکلیف معطوف به نتیجه یا نتیجه‌گرایی مبتنی بر ادای تکلیف است. چون عقل و عقلانیت نهفته در اعتدال‌گرایی حکم می‌کند که نخست تکالیف و مسئولیت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت اسلامی و انقلابی تعیین و تعریف گردد. سپس، بعد از تعیین تکلیف، چگونگی و شیوه انجام و ادای تکلیف براساس واقعیت‌ها را که منجر به نتیجه مطلوب شود، نیز باید شناخت و عملی کرد. از این‌رو، تکلیف‌گرایی نه تنها منافاتی با نتیجه‌گرایی ندارد بلکه حصول نتیجه خود بخشی از تکلیف به شمار می‌رود. چون هر تکلیفی مبنی بر انجام یا ترک فعلی متضمن تأمین مصلحت یا دفع مفسده‌ای است که به عنوان نتیجه آن فعل باید در نظر گرفته شود.

رهبر انقلاب اسلامی، به عنوان تبیین‌کننده گفتمان کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر تلائم و تضامن تکلیف‌گرایی و نتیجه‌گرایی تأکید می‌کند.

"حتماً تکلیف‌گرایی معنایش این است که انسان در راه رسیدن به نتیجه مطلوب، بر طبق تکلیف عمل کند... این که تصور کنیم، تکلیف‌گرایی معنایش این است که ما اصلاً به نتیجه نظر نداشته باشیم، نگاه درستی نیست... بنابراین، تکلیف‌گرایی هیچ منافاتی ندارد با دنبال نتیجه بودن، و انسان نگاه کند ببیند این نتیجه چگونه به دست می‌آید، چگونه قابل تحقق است؛ برای رسیدن به آن نتیجه، بر طبق راه‌های مشروع و میسر برنامه‌ریزی کند" (آیت الله خامنه‌ای، ۶ شهریور ۱۳۹۲).

فراتر از این، عناصر واقع‌بینی و عقل‌گرایی نیز متضمن و مستلزم نتیجه‌گرایی مبتنی بر تکلیف است. به گونه‌ای که عقل‌شناس و واقع‌نگر حکم می‌کند که تصمیم‌گیرنده سیاست خارجی در پیگیری نتایج ناشی از ادای تکلیف با توجه به درک درست واقعیت‌های ملی و بین‌المللی دست به تصمیم‌گیری بزند. زیرا، "آن که، تکلیف خویش را انجام داده، مسئولیت خویش را انجام داده، کار شایسته و بایسته را انجام داده است و واقعیت‌ها را ملاحظه کرده و دیده است و بر طبق این واقعیت‌ها برنامه‌ریزی کرده، آخرش هم به نتیجه نرسید احساس خسارت نمی‌کند" (آیت الله خامنه‌ای، ۶ شهریور ۱۳۹۲).

بنابر این در سیاست خارجی اعتدال‌گرا تلاش برای تأمین نتایج بهینه اهداف و منافع ملی با بیشترین مطلوبیت و کمترین هزینه خود مهم‌ترین تکلیف و رسالت است. به گونه‌ای که نمی‌توان با این استدلال که جمهوری اسلامی در سیاست خارجی مکلف به انجام تکالیف از پیش تعریف و تعیین شده است از پیگیری عاقلانه و واقع‌بینانه نتایج بهینه غفلت کرد.

۳-۵. تعامل‌گرایی مؤثر و سازنده

در چشم‌انداز ۲۰ ساله، سیاست و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه دکترین تعامل سازنده تعریف و تعیین شده است. یکی از عناصر کانونی و محوری گفتمان اعتدال‌گرایی نیز تعامل‌گرایی است. اما تعامل‌در چارچوب این گفتمان را می‌توان تعامل متوازن و متعادل نامید؛ به گونه‌ای که هم در محتوا و ماهیت تعامل با دیگران تعادل و توازن وجود دارد و هم در چگونگی و قلمرو تعامل توازن و تعادل برقرار است. تعامل‌گرایی سازنده را می‌توان بر حسب هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، تنش‌زدایی متقابل، اعتمادسازی متقابل، احترام متقابل، منافع مشروع و متقابل و تفاهم تعریف کرد.

بر این اساس، تعامل سازنده به عنوان یکی از عناصر گفتمان اعتدال‌گرایی به دکترین سیاست خارجی دولت یازدهم تبدیل شده است. به گونه‌ای که جمهوری اسلامی ایران به دنبال تعامل سازنده براساس احترام متقابل و منافع مشترک با دیگر

کشورهاست و در این چارچوب در پی افزایش تنش با ایالات متحده آمریکا نیز نیست" (روحانی، ۳ مهر ۱۳۹۲). از این رو، "تعامل سازنده و مؤثر بر اساس تعامل و گفتگو از جایگاه برابر، احترام و منافع متقابل، کاستن از خصومت‌ها و تنش‌زدایی متقابل و اعتمادسازی متقابل" در صدر اهداف عملیاتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. زیرا، در عصر جهانی شدن و دوران گذار در نظام بین‌الملل "دوران انزواجویی ارادی و داوطلبانه در روابط بین‌الملل سپری شده و عدم نقش‌آفرینی و یا غیاب در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نه یک امتیاز که نوعی نقطه ضعف و کاستی محسوب می‌شود" (وزارت امور خارجه، ۱۴ مرداد ۱۳۹۲).

در سطح رفتاری یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها و الزامات تعامل مؤثر و سازنده در گفتمان اعتدال، برقراری تعادل و توازن در مناسبات و روابط با کشورها و مناطق جغرافیایی مختلف براساس تأثیر و وزن آن‌ها در نظام بین‌الملل است. چون همه کشورها در نظام بین‌الملل از تأثیر و وزن یکسانی برخوردار نیستند؛ از این رو، تعامل با آن‌ها نیز در تأمین منافع ملی از ارزش و اهمیت برابری برخوردار نمی‌باشد. همچنین تعامل سازنده متضمن تعامل در برابر تعامل متقابل است نه تخاصم متزاید. البته این امر به معنای تخطئه و تعطیل دیپلماسی در سیاست خارجی نیست؛ چون در شرایط منازعه و تخاصم به‌کارگیری دیپلماسی فعال و هوشمند برای تأمین مسالمت‌آمیز منافع ملی ضرورت بیشتری می‌یابد.

۳-۶. امنیت‌طلبی مثبت

عنصر دیگر گفتمان اعتدال‌گرایی امنیت‌طلبی است که آن را از سایر گفتمان‌های سازش و ستیزش متمایز می‌سازد. امنیت‌طلبی متضمن آن است که جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی به گونه‌ای عمل کند که امنیت و بقای آن تضمین و تأمین گردد. تلاش برای تأمین منافع ملی و حفظ و افزایش متوازن قدرت بدون تهدید دیگران نیز یکی از الزامات امنیت‌طلبی است. از این رو، در چارچوب گفتمان اعتدال‌گرایی، از عناصر قدرت به ویژه قدرت نظامی برای دفاع از خود و نه تهاجم به دیگران استفاده می‌شود. در سیاست خارجی اعتدال‌گرا امنیت ملی به صورت مثبت، به هم پیوسته، همکاری‌جویانه، چندجانبه و مبتنی بر حاصل جمع جبری مضاعف تعریف می‌شود. به‌گونه‌ای که امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به صورت همکاری‌جویانه و پرهیز از امنیتی شدن آن در چارچوب گفتمان‌های ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی و اسلام‌هراسی تعقیب و تأمین می‌شود. به بیان دیگر، امنیت ملی از طریق غیرامنیتی‌کردن، تهدیدزدایی، شکستن اجماع بین‌المللی، ارتقای اعتبار جهانی کشور به منظور تبدیل

چالش‌ها به فرصت‌های امنیتی پیگیری و تحقق می‌یابد. از این‌رو، امنیت‌طلبی با همزیستی مسالمت‌آمیز، تنش‌زدایی متقابل و اعتمادسازی متقابل نیز سازگاری دارد. تلقی دولت یازدهم در چارچوب گفتمان اعتدال‌گرایی آن است که "رویکرد همکاری و رقابت" جای "تقابل یا همکاری بی‌قیدوشرط" را گرفته است. بازی با حاصل جمع صفر جایگاه خود را در روابط بین‌الملل از دست داده است. بر این اساس، اولویت اول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران "خنثی کردن و در نهایت شکست دادن جریان ضد ایرانی بین‌المللی است که توسط اسرائیل و حامیان آمریکایی‌اش به راه افتاده است؛ که هدف آن‌ها "امنیتی کردن" ایران است، یعنی مشروعیت‌زدایی جمهوری اسلامی از طریق ترسیم وجهه ایران به مثابه تهدیدی علیه نظم جهانی". برای تأمین این هدف از جمله مهم‌ترین راهکارها و سازوکارهای تأمین امنیت ملی ایران عبارتند از: "تغییر فضای امنیتی جهانی، شکستن هماهنگی قدرت‌های بزرگ و خنثی‌سازی تلاش صهیونیستی-آمریکایی برای ایجاد اجماع بین‌المللی علیه کشور... پیشگیری از شکل‌گیری مجدد اجماع و اتخاذ تصمیمات بین‌المللی علیه کشور... مشارکت فعال و هدفمند در تأمین ثبات و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای و مدیریت چالش‌ها و بحران‌ها به منظور ارتقای اعتبار جهانی، تأمین منافع و امنیت ملی" (Zarif, 2014).

۳-۷. منزلت‌طلبی

یکی دیگر از عناصر و دقایق گفتمان اعتدال‌گرایی، منزلت‌طلبی است. منزلت‌طلبی نیز متضمن استقلال‌خواهی، عزت‌طلبی، بیشینه‌سازی منافع ملی و ارتقای جایگاه و اعتبار ملی، منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران است. به گونه‌ای که جمهوری اسلامی ضمن حفظ عزت و استقلال خود از جایگاه و منزلت مناسب و معتبری در سطح منطقه و جهان برخوردار گردد. بر این اساس، اعتلای منزلت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و افزایش نفوذ و نقش‌آفرینی منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اهداف کلی سیاست خارجی آن تعریف و تعیین می‌شود. زیرا، "در پرتو اهمیت فزاینده عوامل هنجاری و معنایی در سیاست جهانی، میراث چند هزار ساله جامعه و فرهنگ ایرانی و میراث قابل توجه انقلاب اسلامی، به‌ویژه الگوی زمامداری بومی و مشارکتی آن، جمهوری اسلامی را در موقعیت ممتازی قرار داده است. ایران می‌تواند از چنین نقاط قوتی برای کمک به تحقق آرزوهای عمیق ملی مردم ایران، از جمله دستیابی به پیشرفت بلندمدت و اقتدار منطقه‌ای متناسب با ظرفیت‌ها و جایگاه ذاتی کشور بهره‌برداری کند" (Zarif, 2014).

استقلال طلبی برحسب آزادی عمل و حفظ هویت و منزلت ملی تعریف می‌شود. روابط ناعادلانه قدرت‌های بزرگ استعماری با ایران قبل از انقلاب اسلامی و دخالت‌های فراگیر آنان در امور کشور و ارزش کانونی عدالت در دین اسلام، استقلال خواهی را در بطن و متن گفتمان انقلاب اسلامی قرار می‌دهد. به گونه‌ای که این ارزش از اهداف راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. از این رو، این ارزش ملی یکی از مؤلفه‌ها و مقومات بنیادی گفتمان اعتدال‌گرایی به عنوان یک خرده گفتمان اسلام‌گرایی در سیاست خارجی به‌شمار می‌رود.

عزت طلبی دومین ارزش مقوم و الزام منزلت طلبی در سیاست خارجی است. عزت نفس که در ادبیات روابط بین‌الملل از آن به شرف و افتخار نیز یاد می‌شود، یکی از مهم‌ترین اهداف و انگیزه‌های سیاست خارجی است. از این رو حفظ شرف و عزت ملی یکی از آرمان‌ها و اهداف سیاست خارجی اعتدال‌گرا است که بر پایه واقع‌نگری پیگیری و محقق می‌شود. از این رو، "ارتقای اعتبار و افزایش احترام و عزت ایران در سطح منطقه و جامعه بین‌المللی و جهان در حال گذار... اعتلا و ارتقای اقتدار، شأن، موقعیت و نقش کشور در منطقه و نظام بین‌الملل، بازسازی و تقویت نقش منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران" از مهم‌ترین وظایف سیاست خارجی دولت یازدهم است (وزارت امور خارجه، ۱۴ مرداد ۱۳۹۲).

بی‌گمان، ارتقای منزلت منطقه‌ای ایران در اولویت سیاست خارجی دولت یازدهم قرار دارد؛ ارتقای منزلت منطقه‌ای ایران خود متضمن و مستلزم بازبینی و بازسازی روابط و سیاست خارجی منطقه‌ای می‌باشد. اما اگر چه کسب جایگاه مناسب به عنوان یک قدرت منطقه‌ای بزرگ و مؤثر اولویت دارد، ولی این امر به معنای نفی و غفلت از منزلت طلبی فرامنطقه‌ای و حتی جهانی نیست. زیرا، "پیام جهانی مردم‌سالاری دینی و رسالت جهانی تعریف‌شده در قانون اساسی و اسناد بالادستی، هویتی تأثیرگذار از ایران ساخته است که امکان فراتر رفتن گستره حضور و نفوذ ایران از یک قدرت میانی و منطقه‌ای را فراهم می‌سازد" (وزارت امور خارجه، ۱۴ مرداد ۱۳۹۲).

۳-۸. صلح طلبی مثبت

در سیاست خارجی اعتدال‌گرا اصل بر صلح می‌باشد؛ اما صلح تنها به صورت منفی به معنای فقدان جنگ تعریف نمی‌گردد؛ بلکه صلح به معنای مثبت بوده که علاوه بر نفی خشونت فیزیکی عریان در قالب جنگ متضمن نفی خشونت ساختاری پنهان و نهادینگی مردم‌سالاری جهت همگرایی و عدالت بین‌المللی نیز می‌شود. به گونه‌ای که

برای برقراری صلح و امنیت پایدار و همه‌جانبه باید به صورت چندجانبه با انواع مختلف خشونت در چارچوب نهادها، سازمان‌ها و ائتلاف‌های بین‌المللی مقابله کرد.

رئیس‌جمهور روحانی در نخستین سخنرانی خود در شصت و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در شهریورماه ۱۳۹۲، ضمن بر شمردن مؤلفه‌های صلح مثبت و پایدار، بر ترجیح گفتگو بر ستیز و اعتدال بر افراط، حل‌مسالمت‌آمیز مناقشات، نفی خشونت طلبی و ضرورت تشکیل ائتلاف برای صلح در روابط بین‌الملل تأکید می‌کند. وی تصریح می‌کند که ایران "در آرمان و عمل، پیوسته منادی صلح عادلانه و امنیت همه‌جانبه بوده است" و از "صلح مبتنی بر دموکراسی و صندوق رأی در همه جای جهان دفاع" می‌کند. او همچنین به یکی از مهم‌ترین عناصر صلح مثبت یعنی الغای خشونت ساختاری و نهادینه شده اشاره می‌کند که در فلسطین تجلی یافته است. "آنچه بر مردم مظلوم فلسطین می‌رود، چیزی جز یک خشونت ساختاری نیست. سرزمین فلسطین اشغال است. حقوق اولیه فلسطینیان به طور فاجعه‌باری نقض می‌شود و آن‌ها از بازگشت به خانه، محل تولد و دسترسی به سرزمین مادری محروم‌اند. جنایاتی که بر مردم بی‌گناه فلسطین می‌رود، خشونت نهادینه‌ای را به نمایش می‌گذارد".

بر این اساس، روحانی برای تأمین صلح مثبت و پایدار طرح "جهان علیه خشونت و افراطی‌گری" را به سازمان ملل متحد پیشنهاد می‌دهد. وی در توضیح طرح خود چنین می‌گوید: "باید به جای گزینه ناکارآمد "ائتلاف برای جنگ" در مناطق مختلف جهان به "ائتلاف برای صلح پایدار" در سراسر جهان اندیشید... ما باید بپذیریم و بتوانیم در اینجا افقی را بکشاییم که در آن به جای جنگ، صلح، به جای خشونت، مدارا، به جای خونریزی، پیشرفت، به جای تبعیض، عدالت، به جای فقر، بر خور داری و به جای استبداد، آزادی در سراسر جهان به‌تردیده شود" (روحانی، ۳ مهر ۱۳۹۲).

بنابراین، نکته بسیار مهم در پیگیری صلح مثبت در سیاست خارجی اعتدال‌گرا آن است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت مخل امنیت و نظم بین‌المللی تصویرسازی و امنیتی نشود. از این‌رو، در تعقیب هدف صلح مثبت بین‌المللی، به‌کارگیری عقلانیت هنجاری، ارتباطی و استدلالی و اقدام چندجانبه ضرورت دارد. از این‌رو، روحانی به عنوان رئیس دوره‌ای جنبش عدم تعهد به وزرای خارجه کشورهای عضو توصیه می‌کند که این بازیگر بین‌المللی از "هیچ تلاشی برای کمک به آرمان جهانی صلح و توسعه در تعامل با دیگر بازیگران در سیاست جهانی نیز فروگذار نکند" (روحانی، ۵ مهر ۱۳۹۲). این انگاره از صلح مثبت در گفتمان اعتدال‌گرایی شباهت و قرابت مفهومی با تعریف و تلقی آن در گفتمان صلح‌گرایی مردم‌سالار دارد.

۳-۹. عدالت‌گرایی

گفتمان اعتدال‌گرایی همچنین دربردارنده عنصر عدالت نیز می‌باشد. زیرا، رابطه و نسبت مستقیمی بین اعتدال و عدالت وجود دارد؛ به گونه‌ای که این دو ارزش لازم و ملزوم و متضمن یکدیگرند. بر همین اساس، رهبر انقلاب اسلامی در تبیین عدل آن را بر حسب اعتدال تعریف می‌کند: "عدل یعنی هر چیزی در جای خود قرار گرفتن. معنای لغوی عدل هم یعنی میانه. اعتدال هم که می‌گویند، از این واژه است؛ یعنی در جای خود، بدون افراط و بدون تفریط؛ بدون چپ روی و بدون راست روی. این هم که می‌گویند عدل یعنی قرار دادن هر چیزی در جای خود، به خاطر همین است. یعنی وقتی هر چیز در جای خود قرار گرفت، همان تعادلی که در نظام طبیعت بر مبنای عدل و حق آفریده شده، به وجود می‌آید. در رفتار انسان، عدل لازم است. برای حکمران، عدل لازم است. در موضع‌گیری، عدل لازم است. در اظهار محبت و نفرت، عدل لازم است. قرآن فرموده است: "و لا یجرمنکم شنئان قوم علی آلا تعدلوا"؛ دشمنی با کسی موجب نشود که شما درباره او از عدالت کناره بگیرید و عدالت را رعایت نکنید؛ "اعدلوا هو اقرب للتقوی". بنابراین عدل هم یکی از پایه‌های ایمان است. اگر عدل بود، ایمان می‌ماند" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۰ آبان ۱۳۸۳).

رئیس جمهور روحانی نیز در رابطه با تضامن و تلائم عدل و اعتدال با اشاره به بیان امام علی(ع) می‌گوید: "اعتدال و عدل نسبتی وثیق دارند و عدل بر چهار شعبه است: بر فهمی ژرف‌نگرنده و دانشی پی به حقیقت برنده و نیکو داوری فرمودن و در بردباری استوار بودن و آن شق از دولتمردی که بر فهم ژرف، دانش، داوری بر مدار اخلاق و انصاف و بردباری استوار نباشد اعتدال ندارد و خلاق را می‌آزارد" (روحانی، ۵ شهریور ۱۳۹۲).

عدالت‌طلبی در گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی به معنای روابط برابر با کلیه کشورهایی است که حق حیات و حقوق و منافع ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت می‌شناسند. همچنین عدالت به معنای تلاش برای اصلاح ساختارها، نهادها و مناسبات ناعادلانه در سطح بین‌المللی با همکاری و هم‌افزایی با کشورها و ملت‌های دیگر در چارچوب ارزش‌های انسانی، موازین اخلاقی و حقوق بین‌الملل است. از این‌رو، عدالت‌طلبی در گفتمان اعتدال‌گرایی علاوه بر عقلانیت انتقادی بر عقلانیت ارتباطی و استدلالی نیز استوار است.

عدالت‌طلبی بر پایه هنجارها، قواعد و موازین بین‌المللی در چارچوب نهادها و سازمان‌های بین‌المللی پیگیری می‌شود. چون باور بر این است که در تعقیب عدالت بین‌المللی به کارگیری عقلانیت انتقادی تنها کفایت نمی‌کند، بلکه در کنار آن باید از

عقلانیت هنجاری، ارتباطی و استدلالی نیز استفاده کرد. به‌گونه‌ای که رفتار عدالت‌خواهانه جمهوری اسلامی ایران در چارچوب هنجارها، قواعد و حقوق بین‌الملل موجه و مشروع تلقی شده و از امنیتی شدن آن جلوگیری شود. این نوع عدالت‌گرایی را به روشنی می‌توان در سخنرانی‌های رئیس‌جمهور روحانی در نشست‌های مختلف سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل متحد و جنبش عدم تعهد مشاهده کرد (روحانی، ۴ مهر ۱۳۹۲).

۳-۱۰. تحول‌گرایی بین‌المللی

عنصر و دقیقه دیگر گفتمان اعتدال‌گرایی تحول‌گرایی یا تدرج‌گرایی در راهبرد و رفتار سیاست خارجی است. در سطح راهبردی، طبق قانون اساسی، جهت‌گیری و راهبرد کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عدم تعهد است. اما عدم تعهد خود به انواع محافظه‌کار، انقلابی، تجدیدنظر طلب، و اصلاح طلب تقسیم می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۸۰-۱۷۴). اما بر مبنای دال متعالی گفتمان اعتدال، راهبرد کلان سیاست خارجی اعتدال‌گرا را می‌توان عدم تعهد تحول‌گرا یا تدرج‌گرا تعریف کرد که محافظه‌کار نبوده و در میانه اصلاح‌طلبی و تجدیدنظرطلبی قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که در سطح رفتاری ضمن نقد وضع موجود و نظم مستقر بین‌المللی تلاش می‌شود به صورت تدریجی و در قالب چند جانبه‌گرایی و نهادگرایی وضع و نظم مطلوب برقرار گردد. از این‌رو، سیاست خارجی اعتدال‌گرا محافظه‌کار و منفعل نیست، بلکه درصدد تغییر وضع موجود به صورت تدریجی و با استفاده از قدرت نرم و هنجاری می‌باشد.

در شرایطی که نظام بین‌الملل موجود در حال گذار است و هنوز نظم بین‌المللی تثبیت نشده است، ضرورت و امکان تغییر و تحول آن با مشارکت جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. چون در این دوران گذار، از یک سو، "همه کنش‌گران جهانی صرف‌نظر از میزان قدرت خود، نگاه تجدیدنظرطلبانه به "وضع موجود" داشته و در پی شکل‌دهی به "وضع مطلوب" هستند تا از این طریق به حفظ موقعیت و یا دستیابی به سهم بیشتر و ارتقای جایگاه خود بپردازند." از سوی دیگر، "در دوران انتقالی کنونی، ایران خود یکی از منابع و موضوعات اصلی در شکل دادن به نظام بین‌المللی در حال شکل‌گیری است. لذا در صورت ارزیابی دقیق و ایفای نقش حساب شده، می‌تواند قدرت خود را نهادینه و اثرگذار کند" (وزارت امور خارجه، ۱۴ مرداد ۱۳۹۲).

اما با توجه به این که "رقابتی هنجاری، ارزشی و فرهنگی بین همه قدرت‌ها و کنش‌گران در جریان است ... و این واقعیت که منابع غیرنظامی قدرت و به ویژه قدرت اقناعی و گفتمان‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری ساختار آتی روابط بین‌الملل نقش

برجسته‌ای دارند، جمهوری اسلامی ایران از نقش برجسته‌ای در روابط بین‌المللی مخصوصاً در عرصه ارزشی، هنجاری و معنایی برخوردار است" (وزارت امور خارجه، ۱۴ مرداد ۱۳۹۲). بر این اساس، تحول‌گرایی در گفتمان اعتدال‌گرایی ماهیتی نرم‌افزاری و هنجاری دارد که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت هنجاری آن را در سیاست خارجی خود پیگیری می‌کند. به گونه‌ای که جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند با استفاده از منابع قدرت نرم و هنجاری خود از طریق تأثیرگذاری بر ساختار غیرمادی و معنایی نظام بین‌الملل زمینه اصلاح، تغییر و تحول نظم بین‌المللی را فراهم سازد.

بنابراین، "موقعیت ایران در شکل‌دهی به ساختار معنایی نظام بین‌الملل آینده، با عنایت به فرصت‌های استراتژیک ناشی از شرایط انتقالی، بسیار قابل توجه است. ایران با خودباوری نقش معنایی خود را فراتر از مرزهای جغرافیایی تعریف کرده و در مورد آینده نظام بین‌الملل دارای دیدگاه مستقل و قابل ارائه است. سابقه غنی فرهنگی و تمدنی و عمق و گستره خاستگاه فرهنگی ایران، توان عملی برای نقش‌آفرینی جهانی در حوزه نظام معنایی برای ایران فراهم کرده است. ترکیب خودباوری، پیام جهانی و توانمندی فرهنگی، به ایران توانایی تأثیرگذاری بیشتری بر جهت‌گیری مبانی نظم آینده بین‌المللی اعطا کرده است" (وزارت امور خارجه، ۱۴ مرداد ۱۳۹۲). این تلقی از تحول‌گرایی بین‌المللی در گفتمان اعتدال‌گرایی به تعریف آن درگفتمان صلح‌گرایی مردم‌سالار شباهت و قرابت دارد.

۳-۱۱. کمال‌گرایی

گفتمان اعتدال‌گرایی همچنین متضمن اعتقاد و باور به تحول و تکامل انسان و اصلاح امور انسانی، اجتماعی و سیاسی در سطوح ملی و بین‌المللی است. از این‌رو، کمال‌گرایی و تحول‌پذیری یکی از شاخص‌ها و دقایق گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی است. به طوری که سیاست خارجی اعتدال‌گرا، بر خلاف برخی از مکاتب روابط بین‌الملل مانند رئالیسم، قائل به اصلاح و تکامل نظام بین‌الملل موجود است. از این‌رو، سیاست خارجی اعتدال‌گرا دارای اهداف معطوف به نظم جهانی بوده و در جهت تأمین آن‌ها تلاش می‌کند. این امر بدان معناست که سیاست خارجی اعتدال‌گرا مسئولیت‌پذیر نیز می‌باشد. چون قائل بودن به اصلاح امور بین‌المللی متضمن مسئولیت‌پذیری در سطح جهانی نیز می‌باشد.

کمال‌گرایی متضمن جهان‌گرایی اسلامی در سیاست خارجی است که در سه سطح پیگیری می‌شود. نخست تلاش برای برقراری جامعه جهانی اسلامی به عنوان یک آرمان راهبردی سیاست خارجی است. ماهیت راهبردی این آرمان بیان‌گر آن است که

براساس واقعیت‌های موجود داخلی و بین‌المللی تعقیب می‌شود و در درازمدت تحقق می‌یابد. دوم، نقد سازنده نظم بین‌المللی مستقر از طریق آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی و اصلاح آن به صورت نرم‌افزاری، مسالمت‌آمیز و چندجانبه جهت استقرار نظم جهانی مطلوب در درازمدت؛ سوم، ترسیم و تبیین نظم جهانی مطلوب جمهوری اسلامی بر مبنای رسالت اسلامی، انقلابی و ایرانی آن.

کمال‌گرایی همچنین متضمن و مستلزم سلطه‌ستیزی است که برخاسته از آرمان‌های اسلامی و ایرانی است. سلطه‌ستیزی دربرگیرنده نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، استعمار و استکبارستیزی و استضعاف‌زدایی در عرصه بین‌المللی به صورت نرم‌افزاری است. برآیند این سه مؤلفه گفتمانی آزادی عمل در نظام بین‌الملل موجود است. سلطه‌ستیزی نرم‌افزاری در سیاست خارجی دولت یازدهم از طریق "مقابله تئوریک و دیپلماتیک با ساختار قدرت‌محور جهانی و یک‌جانبه‌گرایی" (وزارت امور خارجه، ۱۴ مرداد ۱۳۹۲) پیگیری می‌شود.

۳-۱۲. توسعه‌گرایی متوازن

توسعه‌گرایی متوازن عنصر و دقیقه دیگر گفتمان اعتدال در سیاست خارجی است؛ به‌گونه‌ای که سیاست خارجی اعتدال‌گرا لزوماً توسعه‌گرا نیز می‌باشد. توسعه‌گرایی در سیاست خارجی را برحسب چند مؤلفه و ویژگی می‌توان تعریف کرد.

اول، توسعه‌گرایی به معنای اولویت یافتن توسعه اقتصادی و معیشت ملی در سلسله مراتب اهداف سیاست خارجی است؛ به‌طوری که یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی اعتدال‌گرا به‌کارگیری سیاست خارجی و دیپلماسی برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور و معیشت ملت است. از این رو، "کمک به توسعه، پیشرفت و رشد همه‌جانبه کشور" یکی از اهداف کلان سیاست خارجی دولت اعتدال‌گرا تعیین شده که مستلزم "محور قرار دادن اقتصاد و توسعه ملی در روابط خارجی" است (وزارت امور خارجه، ۱۴ مرداد ۱۳۹۲).

دوم، توسعه‌گرایی به معنای توسعه ظرفیت‌های ملی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران جهت تأمین منافع ملی است. ایران و انقلاب اسلامی دارای توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مادی و معنوی بسیاری است که باید از همه آن‌ها برای تأمین منافع ملی به‌طور متناسب و متوازن استفاده شود. منحصر کردن پیگیری منافع ملی از طریق یکی از عناصر قدرت و توانمندی‌های کشور، سیاست خارجی را از حالت تعادل خارج و ناموفق می‌کند.

سوم، توسعه دیپلماسی نیز یکی از لوازم سیاست خارجی توسعه‌گراست. اگر دیپلماسی را به صورت کسب حداکثری اطلاعات و برقراری ارتباطات با سایر کنش‌گران بین‌المللی برای تأمین منافع ملی تعریف کنیم، لازمه اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی آن است که دیپلماسی توسعه یافته و بین انواع مختلف آن توازن برقرار گردد. توسعه دیپلماسی بدان معناست که در سیاست خارجی علاوه بر دیپلماسی رسمی، از انواع دیگر آن مانند دیپلماسی عمومی، فرهنگی، رسانه، دیجیتال، دفاعی، بحران، چندجانبه، کنفرانس، اقتصادی و تجاری و غیره نیز استفاده شود.

توازن در دیپلماسی نیز بدین معنی است که به‌طور متوازن و متناسب از انواع مختلف دیپلماسی در سیاست خارجی بهره‌گیری شود. به گونه‌ای که استفاده از یک نوع دیپلماسی باعث نادیده گرفتن انواع دیگر آن نشود. به ویژه، با توجه به این که جمهوری اسلامی ایران، به علت ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، در چشم‌انداز بیست ساله، کشوری الهام‌بخش تعریف شده است، در سیاست خارجی باید دیپلماسی عمومی و فرهنگی با حفظ توازن اولویت یابد. از این‌رو، در گفتمان اعتدال‌گرایی، توسعه متوازن دیپلماسی در سیاست خارجی ضرورت می‌یابد.

چهارمین الزام توسعه‌گرایی متوازن در سیاست خارجی اعتدال‌گرا، توسعه متوازن روابط و مناسبات خارجی با کشورها و مناطق جغرافیایی مختلف است. از این‌رو، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در گفتمان اعتدال‌گرایی، سیاست خارجی دولت یازدهم در جهت توسعه متوازن روابط با کشورها و مناطق مختلف با توجه به وزن و تأثیرشان در روابط بین‌الملل خواهد بود. به طوری که "دوسویه کردن و همه‌جانبه‌سازی روابط، ارتقا و تقویت همه‌جانبه روابط براساس مصالح و منافع متقابل، مدیریت روابط در جهت منافع ایران، تقویت روابط با سایر قدرت‌های نوظهور و در حال رشد" در اولویت این دولت قرار دارد. از این‌رو، "جمهوری اسلامی ایران روابط دوجانبه و چندجانبه خود را از طریق تعامل‌معدن‌دار با گستره وسیعی از دولت‌ها و سازمان‌ها، از جمله نهادهای اقتصادی بین‌المللی، بسط داده و تعمیق خواهد کرد" (Zarif, 2014).

۳-۱۳. چندجانبه‌گرایی متوازن

چندجانبه‌گرایی نیز یکی از عناصر و دقایق گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی است. چون تحول‌گرایی، کمال‌گرایی و مسئولیت‌پذیری بین‌المللی ایجاب می‌کند که در سیاست خارجی، چندجانبه‌گرایی نیز در کنار یک‌جانبه‌گرایی لحاظ گردد. به طوری که بین چندجانبه‌گرایی و یک‌جانبه‌گرایی تعادل و توازن برقرار گردد. از این‌رو،

چندجانبه‌گرایی نه به عنوان ضرورت و در شرایط اضطرار، بلکه به عنوان یک راهبرد و رویه در سیاست خارجی اعتدال‌گرا اعمال می‌شود.

بنابراین در چارچوب گفتمان اعتدال‌گرایی، چندجانبه‌گرایی یکی از ضرورت‌ها و الزامات دکترین تعامل سازنده است. چون، در نظام بین‌الملل در حال گذار کنونی، در اثر ناکارآمدی سیاست‌های یک‌جانبه و شکست یک‌جانبه‌گرایی، گرایش به رفتارهای جمعی و چندجانبه بوده است. "چندجانبه‌گرایی به معنای جستجوی جمعی برای یافتن راه‌حل‌های مشترک برای مشکلات مشترک" و ضرورت یافتن پاسخ جمعی به مسائل و چالش‌های جهانی است (Zarif, 2014).

توازن در چندجانبه‌گرایی از یک سو شامل توازن بین چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود. به‌گونه‌ای که سیاست چندجانبه در هر دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق عضویت فعال ایران در سازمان‌ها، نهادها و ساختارهای منطقه‌ای و جهانی پی‌گیری می‌شود.

از سوی دیگر، توازن در چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای و بین‌المللی نیز رعایت و اعمال می‌شود. به‌طوری که نوعی تعادل و توازن در منطقه‌گرایی به معنای عضویت فعال و متوازن در سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای مختلف براساس وزن و تأثیرگذاری آن‌ها در سطح منطقه و نظام بین‌الملل برقرار شود.

همچنین توازن در چندجانبه‌گرایی بین‌المللی به معنای عضویت فعال و مؤثر در سازمان‌ها و نهادهای مختلف بین‌المللی نیز رعایت می‌شود. به‌گونه‌ای که جمهوری اسلامی ایران در لایه‌ها و سطوح مختلف منطقه‌ای و جهانی حضور فعال و نفوذ مؤثری داشته باشد. از این‌رو، "تقویت روند چندجانبه‌گرایی، ائتلاف‌سازی سیاسی با کشورهای هم‌سو و مشارکت فعال در شکل‌دهی هنجارها و قواعد منطقه‌ای و جهانی براساس منافع ملی و ارزش‌های اسلامی" نقشی محوری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایفاء خواهد کرد (وزارت امور خارجه، ۱۴ مرداد ۱۳۹۲).

۴. مفصل‌بندی دولت-ملت ایران، انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل

ماهیت و هویت گفتمان اعتدال‌گرایی، نیز مانند سایر گفتمان‌ها، بر مبنای چگونگی مفصل‌بندی دال‌ها و مفاهیم سه گانه دولت - ملت جمهوری اسلامی ایران، انقلاب اسلامی ایران، و نظام بین‌الملل تعریف و تعیین می‌شود. به‌گونه‌ای که براساس چگونگی مفصل‌بندی و معنایابی این دال‌ها و مفاهیم بنیادی و گزاره‌های فرعی اشتقاقی از

آن‌هاست که گفتمان اعتدال‌گرایی از سایر گفتمان‌ها و خرده‌گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متمایز می‌گردد.

۴-۱. دولت جمهوری اسلامی ایران

دولت‌ملت جمهوری اسلامی ایران در گفتمان اعتدال‌گرایی، ماهیت، هویت و منافع و اهداف مشخص و معینی دارد که در چارچوب گفتمان کلان اسلام‌گرایی تعریف و تبیین می‌شود.

۴-۱-۱. ماهیت دولت

در گفتمان اعتدال‌گرایی، همچون سایر خرده‌گفتمان‌های اسلام‌گرایی، جمهوری اسلامی ایران یک نظام سیاسی است که ماهیت و هویت اسلامی دارد که از یک دولت ملی صرف متمایز می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران یک نظام مردم‌سالار اسلامی است که از دو جزء و عنصر قوام‌بخش "مردم‌سالاری" و "اسلام" قوام و دوام یافته است. به گونه‌ای که "در بنای نظم مدنی و سیاسی مورد نظر امام، دو نکته اساسی وجود دارد که به هم پیوند خورده و دو روی یک حقیقت است. یکی عبارت است از سپردن کار کشور به مردم از طریق مردم‌سالاری و انتخابات و دوم اینکه این حرکت خود از اسلام سرچشمه گرفته بود." از این‌رو، جمهوری اسلامی ایران که برپایه شریعت اسلامی تشکیل شده است. ماهیتی مردم‌سالارانه دارد و عاری از هرگونه قهر و غلبه و استبداد و دیکتاتوری می‌باشد. به طوری که "هیچ قدرت و غلبه‌ای در مکتب امام که از تغلب و اعمال زور حاصل شده باشد، مورد قبول نیست. در نظام اسلامی قهر و غلبه معنا ندارد. قدرت معنا دارد، اقتدار معنا دارد، اما اقتدار برخاسته از اختیار و انتخاب مردم" (آیت الله خامنه‌ای، ۱۴ خرداد ۱۳۹۳).

بنابراین جمهوری اسلامی ایران، دولتی پاسخ‌گو، مشارکت‌جو، توسعه‌گرا، تکثرگرا و تسهیل‌کننده امور با حداقل مداخله‌گری و تصدی‌گری در امور خصوصی است. به گونه‌ای که در این نظام مردم‌سالار "نه دولت و نه حکومت نباید خود را قیّم مردم بدانند" (روحانی، ۴ مهر ۱۳۹۲). چون "جامعه اسلامی، جامعه تک‌گویی نیست، بلکه جامعه‌ای مشورتی، ارتباطی و گفت‌وگویی و انتقادی است." از این‌رو، دولت باید با حداقل مداخله‌گری و تصدی‌گری با مشارکت مردم، جامعه مدنی و بخش خصوصی به سامان‌دهی امور و حل و فصل مشکلات و مسائل ملت بپردازد. زیرا، "دولت تسهیل‌کننده و سامان‌دهنده امور است و مردم و بخش‌های غیردولتی در یک منظومه‌ای سازمان‌یافته برای حل مشکلات جامعه باید تلاش کنند. دولت قوی و توانمند به معنی

دولت مداخله‌گر و تصدی در همه امور و محدودکننده زندگی مردم و مداخله‌کننده در زندگی خصوصی نیست. باید زمینه مشارکت مردم را هر روز بیشتر و زمینه تصدی‌گری دولت را در امور جامع هر روز کمتر و کمتر "گردد" (روحانی، ۴ مهر ۱۳۹۲).

۴-۱-۲. هویت و نقش ملی

در چارچوب گفتمان اعتدال‌گرایی اگرچه دولت و ملت ایران هویت اسلامی دارد، ولی عنصر ایرانییت در هویت بخشی این دو نیز مورد تأیید و تأکید قرار می‌گیرد. به گونه‌ای که بر پایه دال مرکزی تعادل و توازن نوعی هویت ملی متوازن و متعادل از ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران تعریف و ارائه می‌شود. در سطح هویت ملت، با تلفیق و ترکیب متعادل از دو عنصر ایرانییت و اسلامیت، هویت متوازن ایرانی - اسلامی شکل می‌گیرد. در سطح هویت دولت نیز، بین چهار عنصر هویت‌ساز ایرانی، اسلامی، انقلابی و در حال توسعه یا غیرمتعهد جمهوری اسلامی تعادل و توازن برقرار می‌گردد. براین اساس، جمهوری اسلامی، نقش‌های ملی متوازن و متعادلی نیز در سیاست خارجی تعقیب می‌کند. در این میان نقش‌های ملی توسعه‌گرا، منطقه‌گرا، چند جانبه‌گرا، الهام‌بخش و تعامل‌گرا مورد تأکید بیشتر می‌باشد.

۴-۱-۳. منافع و اهداف ملی

همان‌گونه که توضیح داده شد، یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها و مشخصه‌های گفتمان اعتدال‌گرایی، برقراری تعادل و توازن بین مصالح اسلامی و منافع ملی، از یک‌سو و بین منافع و اهداف ملی از سوی دیگر است. به‌گونه‌ای که مصالح اسلامی و منافع ملی در طول یکدیگر تعریف شده و در چارچوب تلفیق آرمان و واقعیت، اولویت‌بندی و پی‌گیری می‌شوند. از این‌رو، در صورت بروز تراحم بین مصالح اسلامی و منافع ملی، بر مبنای رعایت مصلحت و واقع‌بینی، تعقیب و تأمین عملی آن‌ها رتبه‌بندی و اولویت‌بندی می‌شود.

تعقیب و تأمین اهداف و منافع ملی نیز بر پایه عنصر واقع‌بینی و رعایت مصلحت به معنای شناخت چالش‌ها و فرصت‌ها و مقدمات و محظورات ملی و شرایط بین‌المللی صورت می‌گیرد. با این حال، با توجه به منطق موقعیت و ماهیت گفتمان اعتدال‌گرایی امنیت همه‌جانبه، منافع و توسعه اقتصادی و اعتبار بین‌المللی در اولویت قرار می‌گیرد. چون در چارچوب گفتمان اعتدال‌گرایی، "حکومت باید برای تأمین امنیت، عظمت، زندگی و حقوق مردم کار کند". در دولت اعتدال‌گرا نیز "مردم باید احساس امنیت و آرامش کنند، امنیت فکری، سیاسی و اقتصادی داشته باشند و نسبت به شرایط

بین‌المللی احساس آرامش و امنیت کنند" (روحانی، ۴ مهر ۱۳۹۲). مهم‌ترین و نخستین راهکار و سازوکار تأمین امنیت همه‌جانبه به‌ویژه امنیت اقتصادی و توسعه ملی نیز غیرامنیتی کردن جمهوری اسلامی ایران و کسب اعتبار بین‌المللی است. سیاست خارجی اعتدال‌گرا درصدد است "تا ضمن عنایت به حفظ امنیت ملی، ارتقای جایگاه کشور و نیل به پیشرفت فراگیر بلندمدت، ایران را از رویارویی به سوی گفتگو، تعامل‌سازنده و تفاهم هدایت کند" (Zarif, 2014).

۲-۴. انقلاب اسلامی ایران

در چارچوب گفتمان اعتدال‌گرایی، انقلاب اسلامی ایران ماهیت، آرمان‌ها، اهداف و مسئولیت‌های فراملی دارد. به طوری که جمهوری اسلامی ایران، افزون بر تعقیب و تأمین منافع و اهداف ملی باید در سیاست خارجی برای تحقق آرمان‌های فراملی انقلاب اسلامی نیز تلاش کند. اما، براساس توازن آرمان و واقعیت، آرمان‌های انقلاب اسلامی مانند سلطه‌ستیزی، عدالت‌طلبی، الهام‌بخشی و صدور انقلاب بر مبنای رعایت مصلحت و واقعیت‌ها به‌ویژه مقدرات و محظورات ملی اولویت‌بندی و پیگیری می‌شود. تحول‌گرایی تدریجی، سلطه‌ستیزی نرم، چندجانبه‌گرایی، الهام‌بخشی در قالب الگوسازی همه‌جانبه از جمهوری اسلامی ایران از جمله اصول سیاست خارجی اعتدال‌گرا در تعریف و تأمین آرمان‌های انقلاب اسلامی است.

در گفتمان اعتدال‌گرایی، به جای تأکید و تمرکز بر یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی، بین آن‌ها توازن و تعادل برقرار می‌شود. به‌گونه‌ای که "در نظام اسلامی، جامعه هم عادلانه اداره می‌شود. هم پیشرفته است، هم جامعه معنوی است... اسلام دنبال ایجاد یک جامعه پیشرفته است... البته یک چنین جامعه‌ای آن وقت الگو هم خواهد شد" (آیت الله خامنه‌ای، ۶ مرداد ۱۳۹۲). از این‌رو، الگو سازی همه‌جانبه یکی از وجوه تمایز بخش گفتمان اعتدال‌گرایی از سایر خرده گفتمان‌های اسلام‌گرایی است.

۳-۴. نظم و نظام بین‌الملل

از منظر گفتمان اعتدال‌گرایی، نظم مستقر و نظام بین‌الملل موجود از مطلوبیت و عدالت لازم برخوردار نیست. از این رو، باید برای استقرار نظم مطلوب و عاری از ساختارهای سلطه، خشونت و سرکوب به نقد و اصلاح نظم و نظام موجود پرداخت. اما تغییر و تحول نظم و نظام بین‌الملل از طریق اصلاح تدریجی و به صورت مسالمت‌آمیز، نرم‌افزاری و چندجانبه صورت می‌گیرد. به‌گونه‌ای که جمهوری اسلامی ایران در چارچوب هنجارها، قواعد و نهادهای موجود بین‌المللی تلاش می‌کند با مشارکت و مساهمت سایر کشورها

نظم موجود را اصلاح کنند. "چون همه کنش‌گران جهانی ... نگاه تجدید نظر طلبانه به "وضع موجود" داشته و در پی شکل‌دهی به "وضع مطلوب" هستند (وزارت امور خارجه، ۱۴ مرداد ۱۳۹۲).

بنابراین، بر پایه دکترین تعامل‌سازنده، از یک‌سو، با هژمونی و یک‌جانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل، مقابله گفتمانی، نرم و تئوریک می‌شود؛ ولی از سوی دیگر، عادی‌سازی، بازسازی و توسعه همه‌جانبه روابط با بازیگران بزرگ و تأثیرگذار بین‌المللی از جمله اتحادیه اروپا در دستور کار سیاست خارجی دولت اعتدال‌گرا قرار می‌گیرد. به‌گونه‌ای که جمهوری اسلامی "ایران روابط خود با ایالات متحده را از طریق تجدید اختلاف‌نظرهای موجود و جلوگیری از بروز تنش بیشتر غیرضروری، حکیمانه مدیریت خواهد کرد و بدین ترتیب به تدریج از تنش‌ها خواهد کاست. ایران همچنین با کشورهای اروپایی و دیگر کشورهای غربی با هدف احیای روابط پیشین و گسترش بیشتر روابط وارد تعامل خواهد شد. ایران همچنین، مناسبات دوستانه خود با دیگر قدرت‌های عمده همچون چین، هند و روسیه را تحکیم بخشیده و گسترش خواهد داد. ایران ... دست خود را به سوی قدرت‌های نوظهور در دنیای در حال توسعه دراز کرده و تلاش می‌کند تا به‌گونه‌ای مسئولانه ظرفیت‌های بالقوه عظیم آن‌ها را برای کمک به صلح و رفاه جهانی بسیج کند" (Zarif, 2014).

نتیجه‌گیری

بر اساس ماهیت و مختصات گفتمان اعتدال‌گرایی، این گزاره‌ها را می‌توان استنتاج کرد: اول، گفتمان اعتدال‌گرایی نیز یکی از خرده‌گفتمان‌های کلان گفتمان اسلام‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. از این‌رو، حاکمیت این گفتمان بر سیاست خارجی ایران را نباید به‌مثابه گسست گفتمانی در آن تلقی کرد. زیرا، این گفتمان در عین افتراقات و تفاوت‌ها با سایر خرده‌گفتمان‌های پیشین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقاط مشترک زیادی نیز با آن‌ها دارد. به ویژه، واکاوی عناصر و دقایق گفتمان اعتدال‌گرایی بیانگر شباهت و قرابت آن با گفتمان‌های واقع‌گرایی اسلامی و صلح‌گرایی مردم‌سالار است. جایگاه برجسته عنصر واقع‌گرایی و مصلحت‌گرایی به‌مثابه یکی از دو جزء قوام‌بخش و توسعه اقتصادی به عنوان یکی از عناصر مقوم گفتمان اعتدال‌گرایی، مهم‌ترین وجوه اشتراک آن با گفتمان واقع‌گرایی اسلامی در دوران سازندگی است. همسانی در عناصر و دقایقی چون تعامل‌سازنده، تنش‌زدایی، اعتمادسازی، صلح دموکراتیک، تحول‌گرایی تدریجی، عدم تعهد اصلاح‌طلب،

صلح طلبی مثبت، سلطه‌ستیزی نرم و چندجانبه، دولت حداقلی و عقلانیت ارتباطی و استدلالی مهم‌ترین وجوه شباهت و قرابت گفتمان اعتدال‌گرایی و صلح‌گرایی مردم‌سالار است.

دوم، مهم‌ترین دقیقه گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تعامل مؤثر سازنده است. به‌گونه‌ای که دکترین تعیین‌یافته در این گفتمان را می‌توان دکترین تعامل‌سازنده مؤثر نامید. از این‌رو، سیاست خارجی ایران در دولت یازدهم براساس گفتمان اعتدال‌گرایی، در جهت تعامل فعال و توسعه و بازسازی روابط متوازن با جهان خارج حرکت خواهد کرد. بازسازی و توسعه روابط نیز بر پایه همزیستی مسالمت‌آمیز، تفاهم، احترام و منافع متقابل، تنش‌زدایی متقابل و اعتمادسازی متقابل استوار خواهد بود.

سوم، عنصر واقع‌بینی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دولت یازدهم تشدید و تقویت شده و خواهد شد. این تحول ناشی از چند عامل گفتمانی و فراگفتمانی است. مهم‌ترین عامل گفتمانی در ارتقای جایگاه واقع‌گرایی در سیاست خارجی دولت یازدهم، نسبت و رابطه تنگاتنگ و استوار اعتدال، عقلانیت و واقع‌بینی در گفتمان اعتدال‌گرایی است. عاملی که ایجاب می‌کند از طریق ایجاد توازن آرمان و واقعیت عنصر واقع‌گرایی در سیاست خارجی اعتدال‌گرا در نظریه و رویه تقویت گردد.

ویژگی‌های شخصیتی و نظام‌باورهای رئیس‌جمهور روحانی دومین عامل تقویت‌کننده واقع‌گرایی در سیاست خارجی دولت یازدهم است. رئیس‌جمهور در گفتار و رفتار نشان می‌دهد که شخصیتی واقع‌بین و آرمان‌خواه است که قائل به پیگیری آرمان‌های انقلاب اسلامی بر مبنای شناخت واقعیت‌ها و امکانات ملی است. گفتمانی که رهبر انقلاب اسلامی به صراحت آن را به عنوان گفتمان کلان نظام جمهوری اسلامی ایران تعریف و تعیین کرده است. واقع‌بینی رئیس‌جمهور نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت عنصر واقع‌گرایی در سیاست خارجی دولت یازدهم ایفا می‌کند. چون، همان‌گونه که در پیشینه سیاست خارجی ایران مشهود است، شخصیت و اندیشه رئیس‌جمهور حتی قوام‌بخش گفتمان سیاست خارجی آن دولت است. به‌گونه‌ای که گفتمان‌های سیاست خارجی حول محور اندیشه و تفکر رئیس‌جمهور تعریف و تدوین شده و تداوم می‌یابند. از این‌رو، گفتمان اعتدال‌گرایی نیز بیش از آن که ساختار معنایی از پیش تعیین‌شده‌ای باشد، برخاسته از تفکر و ذهنیت رئیس‌جمهور است که نقش تعیین‌کننده‌ای در قوام و دوام آن ایفا می‌کند.

چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دلیل سوم تقویت و تشدید عنصر واقع‌گرایی در سیاست خارجی دولت یازدهم است. بررسی تحول گفتمانی

به‌خوبی آشکار می‌سازد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در میانه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در رفت و آمد و نوسان بوده است. این واقعیت بیان‌گر آن است که پس از یک دوره آرمان‌گرایی نسبی ۸ ساله در سیاست خارجی ایران در دولت‌های نهم و دهم، اکنون زمانه آن روی گفتمان آرمان‌گرایی واقع‌نگر، یعنی واقع‌بینی فرا رسیده است. به‌گونه‌ای که با تقویت واقع‌گرایی در سیاست خارجی دولت یازدهم، توازن نسبی‌ای که در دولت‌های نهم و دهم به نفع آرمان‌گرایی برهم خورده بود مجدداً برقرار گردد. همان‌گونه که بر هم خوردن توازن نسبی به نفع واقع‌گرایی در دولت‌های پیشین، موجبات تقویت و تشدید آرمان‌گرایی در دولت نهم و دهم را فراهم ساخت.

منطق موقعیت به معنای شرایط و واقعیت‌های داخلی و خارجی نیز، به عنوان چهارمین عامل، تقویت واقع‌گرایی و واقع‌بینی در سیاست خارجی دولت یازدهم را ضروری می‌سازد. یکی از واقعیت‌های سیاست داخلی و خارجی، تحریم‌های اقتصادی تحمیل‌شده بر جمهوری اسلامی و ملت ایران است. این محدودیت‌ها نیز ناشی از بحران سراسر ساختگی هسته‌ای است که در فرآیند آن ایران امنیتی شده است. از این‌رو، حداقل نیمی از راه‌حل نیز در چگونگی هدایت و مدیریت سیاست خارجی فعال، مدیرانه و مقتدرانه نهفته است. مدیریت و هدایت سیاست خارجی مطلوب و موفق، همان‌گونه که رهبر انقلاب سال‌ها پیش در توضیح اصل حکمت بیان داشتند، مستلزم حل و فصل حکیمانه مشکلات و معضلات است. حل مشکلات نیز به نوبه خود مستلزم شناخت واقعیت‌ها و اقدام بر پایه واقع‌بینی می‌باشد.

چهارم، با عنایت به نقش کانونی عقل‌گرایی و عقلانیت متوازن در گفتمان اعتدال‌گرایی انتظار می‌رود که در سیاست خارجی دولت یازدهم از عقلانیت‌های ابزاری، اخلاقی، انتقادی، هنجاری، ارتباطی، و استدلالی استفاده متوازن شود. از سوی دیگر، پیش‌بینی می‌شود، بنابر ماهیت مسائل و موضوعات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به‌کارگیری عقلانیت‌های هنجاری، ارتباطی، و استدلالی در سیاست خارجی دولت یازدهم تشدید و تقویت گردد. این نوع عقلانیت‌ها به‌ویژه در پرونده و مذاکرات هسته‌ای کاربرد و نمود بیشتری خواهد داشت. چون دولت یازدهم بر این باور است که این پرونده بر پایه سوءتفاهم و بدفهمی به یک بحران غیرضروری تبدیل شده است که از طریق اقناع مدعیان و تنویر افکار عمومی بین‌المللی در یک فرایند چانه‌زنی دیپلماتیک قابل حل و فصل است.

یادداشت‌ها

۱. متن اولیه این مقاله با عنوان "سیاست تعادل و توازن: گفت‌وگو در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران" در ماهنامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۴، اول مرداد ۱۳۹۲ چاپ شده است.

منابع

(الف)

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۴ خرداد ۱۳۹۳)، مهم‌ترین محورهای بیانات رهبر انقلاب در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی رحمه‌الله، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26607>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۶ مرداد ۱۳۹۱)، بیانات در دیدار با دانشجویان، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20686>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۲۰ آبان ۱۳۸۳)، بیانات در دیدار با اعضای دولت، قابل دسترسی در:

www.hawzeh.net/fa/articleview/64352?ParentID=59842

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۲۰ آبان ۱۳۸۳)، بیانات در دیدار با اعضای دولت، قابل دسترسی در:

www.hawzeh.net/fa/articleview/64352?ParentID=59842

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۳ مرداد ۱۳۹۱)، بیانات در دیدار با کارگزاران و مسئولان نظام، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20534>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۶ شهریور ۱۳۹۲)، بیانات در دیدار با دانشجویان، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23346>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۶ شهریور ۱۳۹۲)، بیانات در دیدار با دانشجویان، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23346>

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: روندها و بازتاب‌ها، فصلنامه خاورمیانه، سال نهم، شماره ۳.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۷)، چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم: مرکز تحقیقات استراتژیک (مجمع تشخیص مصلحت نظام).

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰)، نظریه اسلامی سیاست خارجی: چارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه روابط خارجی**، سال سوم، شماره اول.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۲)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.

وزارت امور خارجه. ۱۴ مرداد ۱۳۹۲. متن کامل رویکرد سیاست خارجی و برنامه وزارت امور خارجه دولت روحانی قابل دسترسی در: www.icana.ir/Fa/News-Print/233333.

روحانی، حسن (۱۲ تیر ۱۳۹۲)، سخنان در دیدار با جمعی از روحانیون، قابل دسترسی در: www.rouhani.ir/event.php?event_id=109

روحانی، حسن (۳ مهر ۱۳۹۲)، سخنرانی در شصت و هشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قابل دسترسی در: <http://www.president.ir/fa/71572>

روحانی، حسن (۴ مهر ۱۳۹۲)، سخنرانی در اولین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بارهٔ خلع سلاح هسته‌ای، قابل دسترسی در: <http://www.president.ir/fa/71823>

روحانی، حسن (۵ شهریور ۱۳۹۲)، پیام به همایش تبیین مفهوم اعتدال، قابل دسترسی در: <http://isna.ir/fa/news/92060503232>

روحانی، حسن (۵ مهر ۱۳۹۲)، سخنرانی در نشست وزرای خارجه جنبش عدم تعهد، قابل دسترسی در: <http://www.president.ir/fa/71934>

روحانی، حسن (۸ آبان ۱۳۹۲)، همایش افق رسانه، قابل دسترسی در: <http://nasimonline.ir/detail/news/554973/132>

ب) انگلیسی

Scruton, Roger. 2007. **The Palgrave Macmillan Dictionary of Political Thought**, 3rd edition, New York: Palgrave-Macmillan.

Zarif, Mohammad Javad (May/June 2014), What Iran Really Wants: Iranian Foreign Policy in the Rouhani Era, **Foreign Affairs**.